

در پشت همه حوادث خطرناک اخیر دست امپریالیسم امریکادیده می شود

که مترسکبائی مصنوعاً علم میشود، تا شعار اصلی گم شود و پایکاهای داخلی امپریالیسم آمریکا و عمال ضدانقلابی که در درون عمل میکنند و در درجه اول سرمایه داران کلان و بزرگ مالکان فراموش شوند.

چه کسی در ادامه این وضع سود دارد؟ آمریکا، ضد انقلاب! چه کسی از این حوادث بهره گیری میکند و در ایجاد آنها نفع دارد؟ آمریکا، ضد انقلاب! وقوع این حوادث پشت سر هم، در این روزهای سرنوشت ساز، بشدت نگران کننده است. حوادث هفته های اخیر خطرناپودی انقلاب را در بر دارد. ساواکیها وضد انقلاب فعال ایجاد کننده و گرداننده و آتش بیاران آن هستند و دارند بخشی از توطئه هفتم را اجرا میکنند. اینست آن حلقه اصلی حوادث اخیر.

هشیاری باشیم که آمریکاهمچنان خطر جدی و فوری و واقعی است و باشکلهای تازه وحادثه آفرینی های تازه و بهانه های تازه بمیدان آمده است. هیاهو پیرامون «خطر کمونیسم» و ترساندن از حزب توده ایران - شکر دی که در آستانه کودتای ۲۸ مردادین بکار بردند تنها پسرده دودی است برای اجرای توطئه های ضدانقلابی و پوشاندن خطر واقعی آمریکا.

جو تشنج و برخورد های دائمی، جو تحریکات مداوم و زدو خورد های خونین بهترین و مناسب ترین محیط را برای آمریکا، این دشمن اصلی ما، این دشمن خونی انقلاب ما، این دشمن آشتی ناپذیر ما، فراهم میکند. هر کس در ساختن و پرداختن این جو شرکت داشته باشد، بهر بهانه و زیر هر نامی که باشد، بسود دشمن عمل بقیه در صفحه ۲

قاطعیت بخرج داده نمیشود. ارگان های مسئول نه قانون انقلاب را رعایت میکنند و آزادی پهنی مصرحه را برسمیت می شناسند و نه جلوی حرکات آشکارا مضر بحال انقلاب را، که تشنج آفرینی و زد و خورد و جوسازی نتیجه آنست، میگیرند. ساواکیها، غارتگران، دارودسته های دستیار آمریکا، اعم از طاغوتی و مائوئیست و لیبرال، عمدا کار را دارند به سوی تشدید جونا سالم و تشنج میکشاند، تا هر چه بیشتر زد و خورد روی دهد، عصبانیت و خشم و درگیری شدید تر شود، دفا تر ویران و بساطها پراکنده، جانها خسته و پیکرها مجروح شود و احتمالاً خون بریزد. با این حال مقامات مسئول و ارگانهای حافظ قانون و حافظ میهن انقلابی ما، در جهت لازم، که حفظ محیط نظم انقلابی و قانونیت انقلابی است، عمل نمی کنند.

در شرایط حساس مقابله نظامی با دشمن تجاوز کار و تشدید توطئه های آمریکا برای برانداختن نظام انقلابی و ایجاد دولتی «میان راه» و معتدل، که «معتدله» با آمریکا بمذاکره بنشینند، ما به آرامش، تمرکز قوا، اتحاد نیروها و هشیاری در برابر دشمن نیاز حیاتی داریم. اما در هفته های اخیر، ما شاهدیم که تشنج پشت تشنج درگیری روی میدهد. ما شاهد کوششهای فراوانی هستیم که انجام میشود، تا فریادها بر سر عمده ترین دشمن انقلاب ما کشیده نشود، تا انتظار متوجه جنگ تجاوز کارانه ای که بسود آمریکا در مرزهای جنوب و غرب بیداد میکند، نباشد، تا آمریکا و توطئه هفتم آن با تمام شاخه ها و شکل ها و شیوه ها و عمالش از یاد برود. ما شاهدیم

حوادث بسیار مهم و خطرناکی در کشور ما میگذرد، که بسا سرنوشت ساز، جزگ ما و با آینده میهن ما ارتباط مستقیم دارد، زیرا سی است از توطئه هفتم امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران. در گیلان و مازندران، در تهران و اصفهان، در خراسان و بلوچستان، جزء به جزء، یک نقشه وسیع براندازی دارد پیاده میشود. زدو خورد های خونین و تشنج دائمی وسیله ای شده است برای تضعیف انقلاب و برای انحراف توجه از دشمن اصلی و از توطئه های او.

جامعه انقلابی ما نگران است. نه تنها نگران خود این حوادث، که بخودی خود هم هشدار دهنده و عبرت انگیز است، بلکه بویژه نگران آن علل و اسبابی است که اینگونه حوادث را بوجود می آورد و آن عواقب و نتایجی که میتواند در پی داشته باشد. مردم انقلابی ما در درجه اول نگران عامل اصلی و گرداننده واقعی این حوادث، نگران دستی هستند که درخفا همه اینها را میگرداند: دست امپریالیسم آمریکا!

خطر اصلی نیست؟ آیا از جانب شیطان بزرگ دیگر توطئه های براندازی، که خطر مرگ برای انقلاب ما دارد، انجام نمیشود؟ آیا عمال آمریکا در درون و بیرون دیگر عمل نمیکند و کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان دیگر تسلیم شده اند و همراه ساواکیها و طاغوتیها و بقایای فاسد گذشته، با نظام انقلابی آشتی کرده اند؟

۴۵ اینک، در اینگونه میتینگها، در تهران و سایر شهرستانها، و در تبلیغات تدارکی آنها، بجای شعار اصلی انقلاب، شعارهای انحرافی مطرح و تکرار میشود و جوی بوجود می آید که آن شعار اصلی تکمیل کننده شیشه عمر انقلاب ما فراموش شود و با علم کردن «دشمنانسی» موهوم، دشمن عمده ما و توطئه های متنوعی که برای شکست انقلاب یا مسخ انقلاب انجام میگیرد، از یادها برود.

سوم اینکه، در حفظ قانونیت و آنچه که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نوشته شده، در احترام به قوانین مصوب ارگانهای انقلابی و اجرای آنها

تشکیل اجتماعات تحریک آمیز و انحرافی، نحوه برگزاری این میتینگها و راه پیمائیه ها و اجتماعات، برانداختن درگیریها و زدو خورد، چماق کشی و ضرب و جرح و قتل، حفظ نکردن امنیت و نظم و محترم شمردن قانونیت، نقطه گری این حوادث است، که در ایجاد و تشدید آنها، ضد انقلاب سازمان یافته، ساواکیها، وابستگان بر رژیم طاغوت، سرمایه داران عمده و بزرگ مالکان و همچنین لیبرالها و مائوئیستهای آمریکائی نقش دارند. پیرامون این اجتماعات و درگیریهای وابسته به آن، سه نکته جلب نظر میکند:

اول اینکه، اگرچه اغلب این میتینگها نظیر اجتماع ۱۴ اسفند ۵۹ در دانشگاه تهران و میتینگ ۱۷ اسفند ۵۹ در امجدیه، باشکرت و بدعوت دولتمردان و شخصیت های که از انقلاب و از جمهوری اسلامی ایران و منافع آن سخن میگویند، تشکیل میشود، ولی در آنها از خطر اصلی، که میهن انقلابی ما، موجودیت جمهوری اسلامی و سرنوشت انقلاب ما را تهدید میکند، حرفی زده نمیشود. چرا؟ آیا خطر آمریکا دیگر

نامه
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۶
چهارشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۵۹، مطابق با
۴ جمادی الاول ۱۴۰۱ - به: ۱۵ ریال

در صفحات بعد

«شیوه»
انتظامی «یا
لیبرالیسم ناب
صفحه ۳

چاه ویل
مسابقه
تسلیم حاتی
صفحه ۶

صفحه دهقانی
ویژه وظیفه خطیر
انقلابی هیئت های هفت
نفری
صفحه ۵

کارگران
چای سازی خواستار
محیط مناسب کار
هستند
صفحه ۴

بر اساس اطلاعیه ستاد
مشترک ارتش جمهوری
اسلامی ایران:
در جبهه های
جنگ چندین
عراقی
به هلاکت
رسیدند
صفحه ۲

تاکی دروغ و افترا!

شرکت نداشته و اعضای آن دستور سازمانی داشته اند که در اینگونه مراسم حضور نداشته باشند. این عدم حضور توده ایها در میتینگهای مزبور نه تنها از سیاست کلی و کاملاً شناخته شده حزب ما ناشی میشود، بلکه تکرار میکنیم در این موارد ما صراحتاً رهنمود سازمانی داشتیم که کسی از ما در امجدیه و تهرانی ۱۴ اسفند دانشگاه تهران، حزب توده ایران بهیچوجه

نه، توده ایها نیامده بودند. ما آنجا نبودیم. ادعای اطلاعات دروغ محض است و البته فقط محافل ویژه ای از بیان و انتشار چنین افتراهایی سود میبرند، که پای حزب توده ایران را، در آنجا که هیچگونه شرکتی نداشته، بمیان بکشند. چه در میتینگ ۷ اسفند امجدیه و چه در سخنرانی ۱۴ اسفند دانشگاه تهران، حزب توده ایران بهیچوجه

باشد - نمیتواند آنرا باور کند. اطلاعات دیر روز نوشته است: «اینرا هم نمیشود قبول کرد که جریان چریکهای فدائی اکثریت و حزب توده (ایران) آنجا نبودند، نه، بوده اند. و این نیز پذیرفتنی نیست که آنها آمده باشند و ساکت نشسته باشند. حداقل اینست که بقول خودشان به افشاگری و روشنگری و پخش تراکت و شعار پرداخته باشند».

روزنامه اطلاعات در شماره دیر روز بعد از ظهر خود، طوسی سرمقاله ای که زیر عنوان «سخن روز» چاپ میشود، در کمال تأسف و تعجب در گرداب افترا زنی افتاده و متأسفانه دروغی را در صفحه اول خود نوشته است که هیچکس - باگر جدی بوقایع برخورد کند - کمترین آگاهی از رویدادهای کشور و موضع گیری حزب توده ایران داشته

با پیشنهاد نخست وزیر و موافقت رئیس جمهور، دو وزیر از سه وزیر تعیین شدند، ولی لیبرال ها، دیروز، با خروج از جلسه مجلس، مانع تصویب « طرح قانونی تعیین سرپرستی وزارتخانه های بی وزیر » شدند
صفحه ۲

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

با پیشنهاد نخست وزیر و موافقت رئیس جمهور، دو وزیر از سه وزیر تعیین شدند، ولی لیبرال ها، دیروز، با خروج از جلسه مجلس، مانع تصویب « طرح قانونی تعیین سرپرستی وزارتخانه های بی وزیر » شدند

دیروز بعد از سه روزنامه کیهان اطلاع داد که بنا به پیشنهاد نخست وزیر و موافقت رئیس جمهور، آقای دکتر حسین نمازی، بعنوان وزیر اقتصاد و دارائی، و آقای حسین کاظم پور اردبیلی، بعنوان وزیر بازرگانی، تعیین شدند. آقای نخست وزیر طی نامه ای به رئیس مجلس، تقاضا کرده است که این موضوع در اولین فرصت، در دستور کار مجلس شورای اسلامی گذارده شود.

بدینسان با تعیین دو وزیر از سه وزیر برای سه وزارتخانه بدون وزیر، گامی برای حل مسئله ای که شش ماه است، معوق مانده، برداشته شده است.

ولی دیروز مجلس شورای اسلامی، درست در همین زمینه، باردیگر شاهد اخلاف و کارشکنی لیبرالها بود.

اکنون ۶ ماه است که وزارت خارجه بدون وزیر است و این در حالی است که اتخاذ یک سیاست فعال، روشن و ضد امپریالیستی، بویژه در زمانیکه جمهوری اسلامی ایران با تجاوز مستقیم نظامی رژیم جنایتکار صدام حسین و توطئه های رنگارنگ امپریالیسم جهانی، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا، روبه روست، اهمیت حیاتی دارد.

اکنون ۶ ماه است که وزارتخانه های دارائی و امور اقتصادی و بازرگانی بدون سرپرستند، آنهم در زمانیکه امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام حسین جنگی ویرانگر را بر کشور ما تحمیل کرده اند و می کوشند تا از طریق فشار اقتصادی ناشی از آن، جمهوری اسلامی ایران را به تسلیم وادارند.

بدینسان ۶ ماه است این امر خطیر، که به نظر ما، رئیس جمهور، دولت و مجلس شورای اسلامی، بدرجات مختلف، درباره آن مسئولیت دارند، حل نشده و بصورت یک گره اساسی درآمده بود. هفته گذشته، بعد از اینکه بارها اعلام شد که رئیس جمهوری نامزد های پیشنهادی نخست وزیر را تصویب نکرده، گروهی از نمایندگان مجلس برای حل این مسئله پیشقدم شدند. این نمایندگان طرحی را به قید دوفوریت به مجلس تقدیم کردند که مطابق آن، بر اساس قانون اساسی، نخست وزیر، بطور موقت - تا تعیین وزیر - سرپرستی سه وزارتخانه را عهده دار شود.

هفته گذشته دوفوریتی بودن این طرح به تصویب مجلس رسید، اما از آنجا که بعد از ملاقات رئیس جمهوری با رهبر انقلاب از سوئی و ملاقات مسئولان درجه اول با یکدیگر در خانه دادستان کل کشور از سوی دیگر، اعلام شد که مسئله سه وزیر حل شده است، تصویب طرح یک هفته به تعویق انداخته شد. ولی پس از یک هفته بازم مسئله حل نشد و بناچار مجلس دیروز - با دو روز تاخیر - به بررسی طرح پرداخت.

در پایان بحث، که مطابق آئین نامه داخلی مدت آن یک ساعت است، اما در جلسه دیروز، با استفاده از اختیارات رئیس مجلس، به دو ساعت افزایش یافت، نوبت به رای گیری رسید. گروهی از لیبرالها، که به بهانه رعایت قانون اساسی، با طرح مخالفت میکردند، هنگامیکه متوجه شدند که طرح با اکثریت قاطعی تصویب خواهد شد، به بهانه لزوم ادامه بحث، جلسه را ترک کردند.

به این ترتیب روشن شد که مانع اصلی حل این مسئله اساسی که بوده است؟

اینکه که سرانجام دو وزیر از سه وزیر تعیین شده، ما میداریم که اولاً وزیر امور خارجه نیز هر چه زودتر تعیین شود، ثانیاً وزرای منتخب، با ارائه یک برنامه همه جانبه در جهت اهداف ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب ایران، برای حل مسائل و مشکلاتی که در زمینه وظایف این سه وزارتخانه مهم و کلیدی وجود دارد، کامهای فوری و جدی بردارند.

تاکتی دروغ...

بقیه از صفحه ۱

دانشگاه حاضر نباشد، در این مراسم، از اعضای حزب توده ایران، تنه ابرو نگاران نامه «مردم» با کارت مخصوص خود، (تعداد آنها از انگشتان یکدست تجاوز نمیکرد) حاضر بودند، بهمانگونه که خبرنگاران اطلاعات و سایر روزنامه ها (نمی دانیم عده آنها چند نفر بود) حضور داشتند. برخلاف نوشته دروغ روزنامه اطلاعات، حزب توده ایران در مراسم دانشگاه نه افتخاری کرد، نه به پخش تراکت پرداخت و نه به پخش شعار دست زد. نام «توده ایها» در میتینگ ۱۴ اسفند و بخصوص در میتینگ ۷ اسفند برده میشد، منتی برای فحاشی و توهین و افترا. آن حد قابلی که روزنامه اطلاعات در سرمقاله خود ادعا کرده، کذب محض است. ما متأسف و متعجبیم که این روزنامه، آنهم نه در نوشته مبتدلی، بلکه در سرمقاله، که قاعداً باید از احساس مسئولیت ویژه ای برخوردار باشد، دست باین جعل زده است.

سیاست و روش اصولی و انقلابی حزب توده ایران کاملاً روشن است. فقط باید مردم را احق تصور کرده، تا چنین دروغها را بی محابا نوشت. شما که می خواهید از موضع کم و بیش درستی پشتیبانی کنید، چرا آنقدر در خود جرات سیاسی و شهامت مدنی را نمی یابید که یکبار برای همیشه اسلحه افترا زنی علیه حزب توده ایران را کنار بگذارید و از شانتاژ مخالفان ترسید و بدون فحش و بدویراه به توده ایها، حرف خود را بزنید و از آن دفاع کنید؟

آیا میدانید که بدنبال افترا زنی و دروغ، پیرونده سازی و چماق داری می آید، و همان روشهایی که ۲۵ سال با آن آشنا بوده ایم؟ چرا نمی خواهید بطور جدی و سیاسی با جریانات جدی و سیاسی کشور برخورد کنید و در برابر آنها حس مسئولیت از خود نشان دهید؟ مگر ادعا نمی کنید که از راستی و حقیقت، حتی اگر بزرگان شخص تمام شود، نباید متن زده چرا سود فرسی خویش را در اتهام زنی و دروغ بافی به حزب توده ایران می بینید؟ کی شهامت مدنی لازم را خواهید یافت؟ تا کی به دروغ و افترا متوسل خواهید شد؟ ما نیامده بودیم. شما هم اینرا خوب می دانید. پس چرا؟

در پشت همه...

بقیه از صفحه ۱

کرده است، خواه آگاهانه خواه نا آگاهانه. امپریالیسم آمریکا همچون کرک خونخوار و زخم خورده ای برای انقلاب ما دندان تیز کرده است. توطئه های او همیشه مستقیماً انجام نمیگیرد و اکنون پرچم بازگشت نظام طاغوتی و شاهنشاهی را بردوش ندارد. دشمن نه تنها غدار، بلکه مکار است. نه فقط با وابستگان مشهور و آشنایش، بلکه با عمال پنهان و نقابدارش عمل میکند. دشمن - امپریالیسم، بسرگردگی آمریکا، و ضد انقلاب پرورده اش، بوسعت از نقایص و نارسائیها و اشتباهات سوءاستفاده میکند؛ بوسعت از مظاهر انحصار طلبی ها و قشری گریها بهره گیری میکند؛ بوسعت از باقی ماندن قدرت مالی و اقتصادی در چنگ سرمایه داران بزرگ استثمارگر، از باقی ماندن اراضی زراعی در دست تبهکار و غارتگر بزرگ مالکان استفاده میکند؛ بوسعت از نا آگاهیها، سطحی نگریها، تحلیلهای نادرست، عدم شناخت واقعیات و نیروهای پیشبرنده انقلاب و حامی انقلاب، از شتابزدگیها و تفرقه ها سود میبرد.

دشمن را دست کم نگیریم. آمریکا و متحدانش مارها در آستین و توطئه ها در سر دارند. آمریکا دشمن اصلی انقلاب ماست. توطئه های ضد انقلابی آمریکا را بشناسیم و عقیم گذاریم. آمریکا میخواهد انقلاب ما را نابود کند. فریب بهانه ها و افتای ایدئولوژی را که همیشه و در همه جا آمریکا تان مطرح کرده اند، تا انقلابیون را بترسانند و از اتخاذ تدابیر انقلابی بازدارند، نخوریم.

بپوش باشیم و در دام دشمن نیفتیم! ضربه انقلابی را متوجه توطئه های آمریکا کنیم. پایگاههای داخلی آنرا با جرئت و شهامت انقلابی برچینیم. مانع شویم تا عوامل دستیاران آمریکا در تحریک و تشنج آفرینی موفق شوند. هر کسی گفت، یا پنهان کرد، یا در پرده گذاشت که آمریکا دشمن اصلی ماست، هر کسی جلو هشیاری ما را و اتحاد ما را در برابر توطئه های آمریکا بسرای شکست یا مسخ انقلاب سد کرد، در برابر انقلاب ایستاده است. همه فریادها را بر سر آمریکا بکشیم و همه چشمها را بسوی توطئه های رنگارنگ آمریکا باز و بازتر کنیم، تا در دفاع از انقلاب بزرگ خود موفق باشیم.

در جهان سوسیالیسم

در جمهوری دمکراتیک آلمان: همه چیز در خدمت کودکان و مادران

* در جمهوری دمکراتیک آلمان مادران درازای هر نوزاد ۱۰۰۰ مارک دریافت می کنند.
* ۹۵ درصد کودکان آلمان دمکراتیک به کودکستان میروند.

در جمهوری دمکراتیک آلمان مادران در ازای هر نوزاد ۱۰۰۰ مارک دریافت می کنند. (سی سال پیش تنها برای هر نوزاد سوم ۱۰۰۰ مارک، نوزاد چهارم ۲۵۰ مارک و نوزاد پنجم و بیشتر ۵۰۰ مارک داده میشد). فزون بر این، دستمزد یا حقوق والدین درازای هر نوزاد به مقدار معینی افزایش می یابد. درسی سال گذشته، مرخصی مادران از ۱۱ به ۲۶ هفته رسیده است. در سه سال پیش، نزدیک به ۳۰۰ هزار مادر از "سال نوزاد" استفاده کردند. به این معنی که مادران، چنانچه بخواهند، از سواد دوم بیلا میتوانند، هر بار یکسال مرخصی بگیرند و در عین حال دستمزد یا حقوق کامل خود را دریافت دارند. جدول زیر شماره کودکانی را که به مهد کودک یا کودکستان میروند، نشان میدهد:

۱۳۵۹	۱۳۲۹
درصد مهد کودکروها	۵/۲
درصد کودکستانیها	۱۷/۳

"قانون مادر، حفاظت از کودک و حقوق زنان"، که بیش از سی سال پیش در جمهوری دمکراتیک آلمان تصویب شد، مقرر میداشت که تا سال ۱۳۳۴، ۱۹۰۰ قانون جدید مشورت کودکان و مادران تاسیس گردد. اینک شماره کانونهای زنان باردار به ۸۹۷ و تعداد کانونهای مشورت مادران به ۹۹۶۶ رسیده است. درسی سال اخیر نرخ مرگ و میر نوزادان از ۷۲/۲ در هزار به ۱۲/۹ در هزار کاهش یافته است. در همین مدت نرخ مرگ و میر مادران از ۱۲/۹ در ده هزار به ۱/۶۸ در ده هزار تقلیل پیدا کرده است.

در جهان سرمایه داری

«داریم پیر می شویم!»

این عین اخطاریست که، "انستیتومی آمار پرتغال" جدی پیش خطاب به پرتغالی ها صادر کرد. شماره نوزادان پرتغالی، که در سال ۱۳۵۴، ۱۸۶۷۱۲ بود، در سال ۱۳۵۷ به ۱۶۷۴۶۷ کاهش یافت. در همین دوران، شمار ازدواجها از ۱۰۳۸۸۵ به ۸۱۱۱۱ رسید. در دوسال گذشته نیز این گرایش ادامه پیدا کرده است. به عقیده جامعه شناسان، مهم ترین دلایل این گرایش عبارتست از: کاهش دستمزدها به سطح هفت سال پیش، ۱۴ درصد بیکاری، کمبود مسکن و نبود تأمین اجتماعی. درباره نرخ مرگ و میر کودکان، وینستون کونسلوش (دانشکده پزشکی پورتو) گفته است، که پرتغال در این زمینه "فرسنگها از اروپا فاصله دارد." در پرتغال، سالانه ۴۰۰۰ نوزاد، پیش از آنکه به سن یکماهگی برسند، در میگذرند. از سوی دیگر، خوراک کودکان پیوسته گران تر می شود. چندی پیش بهای خوراک کودکان یکبار ۲۳ درصد بالا رفت. شاید افزایش قیمت شیر خشک در سه سال پیش در مقایسه با قیمت های دیگر بی نظیر بوده باشد: ۱۳۹ درصد!

نمایشگاه عکس بمناسبت دومین سالگرد انقلاب در رشت



ارطری اعضاء و هواداران حزب توده ایران، نمایشگاه عکسی به مناسبت دومین سالگرد انقلاب شکوهمند ایران در شهرستان رشت برپا شد. در این نمایشگاه عکسها و مطالب افشاگرانه ای در مورد توطئه های امپریالیسم آمریکا به نمایش گذاشته شد. این نمایشگاه مورد استقبال مردم قرار گرفت.

بر اساس اطلاعاتی ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران: در جبهه های جنگ چندین عراقی به هلاکت رسیدند

و بیش از ۲۵ نفر از نیروهای دشمن کشته و عده ای مجروح شدند. در بخش اشغالی خونین شهر، دو سکر دشمن منهدم و نفرات آن به هلاکت رسیدند. در اثر آتش ناجوانمردانه دشمن بروی شهر آبادان، ۴ نظامی و ۵ غیرنظامی شهید و ۱۹ نفر مجروح شدند. همچنین در دو نقطه آتش سوزی بوجود آمد که بوسیله مامورین مهار شد. ۲- در منطقه اهواز مبادله آتش برقرار بود و مواضع دشمن توسط نیروهای ما درهم کوبیده شد. ضمناً در همین منطقه دشمن ۴ موشک زمین به زمین بروی مردم بی گناه شهر شلیک کرد.

که به تعدادی خانه و مغازه خسارت وارد آمد و سه تن مجروح شدند. ۳- در جبهه دارخوین مبارز تعداد زیادی از سنگرهای انفرادی و اجتماعی و چندین موضع تانک و خودروهای تدارکاتی دشمن منهدم شد و ۱۵ کشته و زخمی به جا گذاشت. ۴- در منطقه دزفول و سوسنگرد نیروهای قهرمان ما مواضع ارتش صدام را مورد حمله قرار دادند که ۵ دستگاه تانک - یک قبضه خمپاره انداز و تعدادی از خودرو - های دشمن منهدم و از کار افتاد. در این حمله، ۹۲ تن از نیروهای عراقی کشته و زخمی شدند. آتش متقابل سلاح سنگین دشمن در نقاط مسکونی دزفول باعث تخریب یک مدرسه عهد که خوشبختانه تلفات جانی به همراه نداشت. ۵- در منطقه غرب، در گیلان - غرب، بر اثر اجرای آتش توپخانه نیروهای دلاور ما به مواضع دشمن یک انبار مهمات منهدم شد و به دو دستگاه تانک و نفرین آسیب وارد آمد. در منطقه سریل ذهاب آتش توپخانه نیروهای دشمن به مواضع خودی به یک دستگاه آمبولانس و جیبی ما خسارت وارد کرد و یک درجه دار نیز شهید شد. در همین منطقه آتش توپخانه ما باعث انهدام تعدادی سنگر و کشته شدن تعدادی از افراد عراقی شد.

رزمندگان ایرانی در جبهه های غرب و جنوب کشور، در پی حملات وسیع خود، مواضع جدیدی را بدست آوردند.

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در اطلاعیه ۴۲۹ خود، خلاصه ای از این عملیات را در روز ۱۸ اسفند به شرح زیر اعلام کرده است:

۱- در آبادان و خونین شهر مبادله آتش ادامه داشت، که بر اثر آتش نیروهای قهرمان ما ۳ قبضه تیربار و سلاح کالیبر ۷۵ و یک قبضه ضد هوایی و چند سنگر اجتماعی و انفرادی، یک خودروی حامل سوخت، یک نفر بر سر و سه چادر مهمات ارتش صدام منهدم

« شیوه انتظامی » یا لیبرالیسم ناب

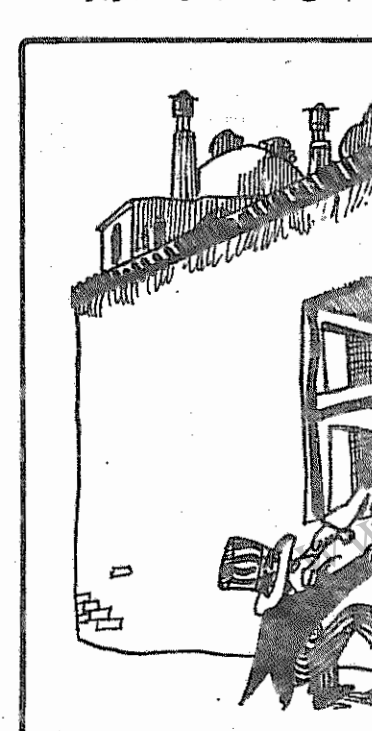
روزنامه " میزان " در سه شماره خود (۱۰ و ۱۱ اسفند ۵۹) مقاله ای بقلم مهندس بازرگان، زیر عنوان " شیوه انتظامی و شیوه انقلابی " انتشار داده است. باید اذعان کرد که آقای مهندس بازرگان با توضیحات مشروح خود درباره این دو شیوه که بگفته او از اوایل دولت موقت بمنابه " دور نظر فکر " با هم روبرو شدند و " اختلافات از آنجا سرچشمه گرفت و اشکالات نیز از آنجا شروع شد " و پویارویی خط لیبرال ها با " شیوه انتظامی " را با خط انقلابی امام خمینی بی کم و کاست توضیح داده است، و این نخستین بار است که لیبرال ها اعراف کامل و آشکار و صریح به وجود دو بینش، دو برخورد و دو طرز تفکر در انقلاب ایران می کنند و ادعای قبلی خود را که گویا لیبرال ها به دلیل مسلم بودن، پیرو خط امام هستند، آشکارا پس گرفته اند، که این خود تائیدی است بر آنچه ما تا کنون می گفتیم و آنها انکاری کردند. در این نوشته، مهندس بازرگان ظاهرا بکار بردن " شیوه انقلابی " را در دوران قبل از پیروزی انقلاب می پذیرد. او می نویسد:

روزنامه " میزان " در سه شماره خود (۱۰ و ۱۱ اسفند ۵۹) مقاله ای بقلم مهندس بازرگان، زیر عنوان " شیوه انتظامی و شیوه انقلابی " انتشار داده است. باید اذعان کرد که آقای مهندس بازرگان با توضیحات مشروح خود درباره این دو شیوه که بگفته او از اوایل دولت موقت بمنابه " دور نظر فکر " با هم روبرو شدند و " اختلافات از آنجا سرچشمه گرفت و اشکالات نیز از آنجا شروع شد " و پویارویی خط لیبرال ها با " شیوه انتظامی " را با خط انقلابی امام خمینی بی کم و کاست توضیح داده است، و این نخستین بار است که لیبرال ها اعراف کامل و آشکار و صریح به وجود دو بینش، دو برخورد و دو طرز تفکر در انقلاب ایران می کنند و ادعای قبلی خود را که گویا لیبرال ها به دلیل مسلم بودن، پیرو خط امام هستند، آشکارا پس گرفته اند، که این خود تائیدی است بر آنچه ما تا کنون می گفتیم و آنها انکاری کردند. در این نوشته، مهندس بازرگان ظاهرا بکار بردن " شیوه انقلابی " را در دوران قبل از پیروزی انقلاب می پذیرد. او می نویسد:

و مچریان او امر طاغوت و از ارکان آن دوران هستند، یک قلم اخراج و بی نام و نون نائیم، روی هر صاحب زمین ولو دوسه هکتار و موتوریزه و مولد چون نمی خواهیم مالک و مالکیت در این سوزمین ببینیم، بر چسب فتوال زده، از هستی وزندگی ساقط شان کنیم، اگر چه تولید کشاورزی زمین برود. تکلیف مدبران کارخانه ها و سهامداران شرکت ها هم که معلوم است، چون استثمارگران وابسته استعمار راز سرمایه دارانند... به این ترتیب نه تنها تعدادم بلکه تحریف و تشدید انقلاب شعار بعد از پیروزی شد، تا آنجا که امام را نیز از منحرف و معترف بدانقلابی نبودن خود کردند. اگر اغراق گوئی های رئیس دولت موقت را درباره " اخراج یک قلم نظامیان و کارمندان " و " تصاحب زمین هر صاحب زمین ولو دو سه هکتاری " را

وی این بیان تاریخی امام خمینی را که: " ملت ما، انقلابی عمل کردند و ما انقلابی عمل نکردیم "، که اشاره مستقیم و ظریف به گردانندگان دولت موقت دارد، بخود نمی گیرد و با گستاخی آنرا به امام خمینی باز می گرداند. رئیس دولت موقت می نویسد: " اولین مشکل بزرگ تداوم انقلاب تعجیل در توسعه آن در تمام جبهه ها بود... می گفتند تا صل و تجربه و تدریج یا حرکت گام بگام، غیر انقلابی و محکوم است و شاید خیانت... " تا مل و تجربه و تدریج " مچریان سیاست " گام بگام " را همه دیدند که جز سازش، هم درجبهه مبارزه با امپریالیسم، بویژه آمریکا هم درجبهه مبارزه با طبقات غارتگر، یعنی زمینداران بزرگ، فتوادل ها و سرمایه داران وابسته نبود. نتیجه این سیاست آن شد که امپریالیسم آمریکا به کمک همین آقایان تلاش داشت

رئیس دولت موقت در وفاداری کامل به مواضع طبقاتی خویش، هنوز هم نمی خواهد بپذیرد که با وجود سلطه



جمهوی اسلامی بگار گرفته است، تا منافع از دست رفته خود را بگونه ای دیگر احیا کند؟ مهندس بازرگان در این نوشته خود با صراحت بیشتری می خواهد بگوید که: اگر آمریکا علیه انقلاب توطئه می کند و نقشه کودتا و تجاوز می ریزد، گناه ماست که " گروگان گیری " کردیم و آب به سوراخ مورچه ریختیم، و گرنه آمریکای " پشیمان " از پشتیبانی طاغوت، حاضر بود انقلاب و جمهوری ما را به رسمیت بشناسد.

کره و ویتنام و کوبا و شیلی هیچ کدام جاسوسخانه آمریکا را تصرف نکردند و جاسوسان آمریکایی را به " گروگان " نگرفتند. اما امپریالیسم آمریکا که " منافع حیاتی " اش جز غارت ملل مستضعف و وابستگی سیاسی و نظامی و اقتصادی آنان نیست، چون نمی توانست از این " منافع حیاتی " چشم پوشی کند و بجای حکومت های وابسته و دست نشانده، دولت های مستقلی را در برابر خود ببیند که به منافع حیاتی مردم خویش می اندیشند، علیه آنها در راه توطئه و دسیسه تاجنگ مستقیم هم پیش رفت. در شیلی با توطئه کودتای موفق شد و در کره و ویتنام با جنگ مستقیم هم موفق نشد. و کوبای سوسیالیستی در بیخ گوش امپریالیسم آمریکا به زندگی مستقل خود ادامه می دهد.

رئیس دولت موقت، که حضور مردم را در صحنه، در قالب نهادهای جو شیده از انقلاب، به هم پیرونی تواند تحمل کند، می نویسد: " نهادهای انقلاب در اساس طبیعی و ضروری و موثر بوده اند... ولی به صورت موقت محدود، زیرا که هر قدر حاد و برای حمله اول آماده باشند، چون فاقد تخصص و تشکیلات اند... استفاده دائم از آنها، کارائی لازم و شرایط اقتصادی و اداری را ندارند.

مهندس بازرگان نهادهای انقلابی را به بلنگی تشبیه می کند که: " در حمله به شکار حاد اکثر سرعت را نشان داده، آنرا می درد، ولی مثل قاطر کوه نوورد استعداد پاربری طولانی و رساندن کالاهای بازرگانان را به دیارهای دوردست ندارد. نهادهای انقلابی شاید نتوانند توقع رئیس دولت موقت را در رساندن " کالاهای بازرگانان " به دیار دور دست بر آورده سازند، اما می توانند توانستند اند که از دستاوردهای بزرگ انقلاب، که توقع مردم است، چون مردمک چشم پاسداری کنند. اگر نهادهای انقلابی، یعنی حضور فعال مردم در صحنه نبود، نه انقلاب به پیروزی می رسید و نه پیروزی استمرار می یافت. دستگاه دولتی، اعم از کشوری و لشکری، که به عقیده لیبرال ها باید دست نخورده باقی می ماند و همچون ارثیه طاغوت به جمهوری اسلامی منتقل می شد، در غیبت مردم هزار باره کار انقلاب را ساخته بودند. با وجود پاکسازیها، هنوز باقیری ها از درون ارتش سر بر می آورند، هنوز ضد انقلاب تا مقامات بالای اداری خود را جازده است. وای اگر توصیه های لیبرال ها عملی می شد و دستگاه دولتی، اعم از کشوری و لشکری، دست نخورده باقی می ماند.

لیبرال ها در دولت موقت نشان دادند که برای جان انقلاب اند و برای بزرگتر آن که، می خواهند بار دیگر به کمک " ریگان " ها در قالب یک دولت " معقول، معتدل و میانه رو " به زبان مهندس بازرگان " دولت معقول مسلمان مستقل " سر بر آورند و همان " شیوه انتظامی "، یعنی لیبرالیسم ناب را بر انقلاب تحمیل کنند. باید این برای بزرگتر رابهر قیمت از جان انقلاب دور کرد.

سیاسی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی امپریالیسم، بسرگردگی آمریکا، با باقی گذاردن پایگاه های اجتماعی آن، یعنی کلان سرمایه داران بزرگ و زمینداران، این انقلاب نمی توانست ونمی تواند راه سلامت برد و " تجربه و تامل و تدریج " دولت موقت فقط بازگرداندن مجدد کشور به گام امپریالیسم و حفظ نظام سرمایه داری و بزرگ مالکی بود. البته آقای مهندس بازرگان با اعتقاد راسخی که به ضرورت همپیوندی ایران با امپریالیسم آمریکا دارد، در این مقاله هم آمریکا را بره بیگانه سر بر زیر خیر اندیشی معرفی می کند که پس از عبرت اندوزی " از سقوط " حریف طمعکار حیلہگر " یعنی شاه ملعون، حاضر به شناسائی انقلاب و جمهوری اسلامی بوده است. او می نویسد:

... حال که حریف طمعکار حیلہگر از میدان بدرفته، پشتیبان نیرومند جهان خوارش پشیمان شده، دست از حمایت طاغوت برداشته، انقلاب و جمهوری اسلامی را خوانا - خواه بمرسمیت شناخته و خصوصاً منافع حیاتی اش، که مقابله با بر قدرت دیگر است، اقتضای کند که یک دولت معقول مسلمان مستقل را مسلط بر ایران ببیند.

خواهنا خواه این پرش در ذهن خواننده می خلد که: اگر " منافع حیاتی " امپریالیسم آمریکا اقتضای کند که یک دولت معقول مسلمان مستقل " را بر ایران مسلط ببیند، چرا ۲۵ سال گذشته خود در بقوت رساندن و حفظ یک نظام پلیسی و ضد مردمی و وابسته " پشیمان " شده، چرا تمام نیروی خود را برای نابودی انقلاب و سرنگسختن ساختن

واقعت آنست که نابسامانی کنونی نتیجه پنجه افکندن در استبداد و استعمار و استثمار نیست، بلکه ارثیه شوم طاغوت و عمره عدم قاطعیت لازم در برابر استعمار و استبداد است. طرفداران شیوه انقلابی در حکومت، هم به دلیل مشکلات عینی و ذهنی، هم به علت سوز سازشکاران و

انقلاب را بسوی سازش با خود بکشند و خیال بازگشت از " پنجه " را داشت. نتیجه سیاست " تامل و تجربه و تدریج " آن شد که یک مالک چند هزار هکتاری و یک " شهروند مفید آمریکا " در مقام وزیر کشاورزی قرار گرفت و علیه دهقانان دست بگارش، یک جاسوس آمریکا در مسند معاونت نخست وزیر نشست، یک باز و - بفروشی وزارت رسید، و سرمایه داران بزرگ تهنه تها بر اس مدیریت کارخانه ها باقی ماندند، بلکه " فراری " ها هم دعوت به بازگشت به " میهن " شدند، بازرگانان کشور در دست سرمایه داران وابسته باقی ماند، تا خون انقلاب را در شیشه کند و رمق آنرا بگیرند.

رئیس دولت موقت می خواهد اینطور وانمود کند که اگر " تولید کشاورزی و صنعتی به نصف وثلث رسیده، اگر " اقتصاد مملکت ورشکسته و خزانه تهی و گرانی سرسام آور است "، اگر " بازوی نظامی و انتظامی کشور عاجز از امنیت و دفاع است "، همه اینها نتیجه " تعجیل " طرفداران " شیوه انقلابی " است، که " باید جانفیتاده " به " شکار خرس ها و بلنگان رفتند " و " پنجه در پنجه استبداد و استثمار و استثمار و استثمار " افکندند، نتیجه گیری مغلطه آمیزی که با واقعیت به هیچ رو تطابق ندارد.

جدی بگیریم - که جدی هم نیست - آن وقت آقای مهندس بازرگان بر این عقیده است که: - اولاً بجز شاه و کسانی، تمام درباریان و همچنین نخست وزیران و وزرا و رؤسای بنیادگان مجلس ساواک زده اش و کارگزارانش در دستگاه کشوری و لشکری حق زیست داشته اند. - ثانیاً صاحبان تمامی اراضی مکانیزه چون " مولد " هستند، باید حق مالکیت شان محترم شمرده شود، زیرا سلب مالکیت از آنها موجب انهدام تولید کشاورزی است، - ثالثاً مدیران و سرمایه داران استثمارگر کارخانه ها هم باید همچنان مدیر و سهامدار باقی بمانند، وگرنه تولید مملکت فلج خواهد شد. - از این عربان تر نمی توان مواضع لیبرال ها را در دفاع از جناحتکاران رژیم طاغوت، از مالکان بزرگ و سرمایه داران وابسته بیان کرد. " ریا مهر " هم عقیده داشت که همه درباریان رجال خدمتگزارند، که مالکیت زمین های مکانیزه بطور نامحدود مجاز است، که حق مالکیت سرمایه داران بزرگ بر کارخانه ها و شرکت ها باید محترم شناخته شود. پس چه فرقی است میان طاغوت و لیبرال ها؟ پس هدف انقلاب ۲۲ بهمن، بردن شاه و آوردن سازش - کاران لیبرال بود و نه انقلاب کوه - نشینان علیه کاشنشینان، بدانگونه که امام خمینی بدرستی آنرا توصیف کرده اند؟

مهندس بازرگان، که بمنابه یک لیبرال حامی نظام سرمایه داری جزر جارچوب حفظ این نظام غارتگرانه نمی اندیشد، حتی امام خمینی را هم متهم به انحراف از خط امام می کند!

ولی نکته مهمی که مهندس بازرگان عمدتاً خواست از آن یاد کند، آنست که ایشان و یارانشان در " نهضت آزادی " و " جبهه ملی " و گروه های نظیر، در آن دوران هم با بکار بردن " شیوه انقلابی " مخالف بودند، ملاقات های آنان با امام خمینی درباری و توصیه ها - سفارش های ایشان در آن دوران نیز بر - خاسته از همین بینش " انتظامی " بود، زیرا آنان باورنداشتند که با دست خالی هم میتوان شاه و تخت سلطنتش را به زیالهدان تاریخ افکند. آنها آشکارا خواستار سلطنت مشروطه باشاه یا پسر شاه بودند و همین بینش سازشکارانه را می خواستند بر کل جنبش تحمیل کنند، که قاطعیت انقلابی امام خمینی دست رد بر سینه شان زد و کلام تاریخی و معروف امام خمینی که: " او باید برود "، توده های مستضعف را زیر شعار سرنگونی سلطنت گرد آورد.

اماد در دوران پس از پیروزی انقلاب رئیس دولت موقت، که دلد بردردی از طرفداران اعمال شیوه انقلابی داشت و دارد، درباره آنها چنین می نویسد: " ... پس از آن بعضی از انقلابیون ما و جوانان پاک پر شور مانند کسی که غذای لذیذی زیر دندانش مزه کرده باشد، خواهان تکرار و ادامه جریان شدند و دماز " تداوم انقلاب " زدند. " روشن است که برای رئیس دولتی که سه باره بار از انقلاب کردن پشیمان شده، " تداوم انقلاب " به مراتب وحشتناک تر و غیر قابل تحمل تر از خود انقلاب است.

لیبرال ها، که لنگ لنگ بدنیال انقلاب آمدند، پس از پیروزی انقلاب، به دلائل معین و معلوم، سهم بسیار بزرگی از قدرت را گرفتند. ولی " تداوم انقلاب " آثار منفرد ساختن آنها در جامعه، افشاء شیوه های سازشکارانه یا " انتظامی " آنان و کنار افکندن نشان از حکومت بود. با " تداوم انقلاب " دیگر به هیچ رو نمی توان دم سازی داشت. مهندس بازرگان محتوای " تداوم انقلاب " را اینطور توضیح می دهد: " غیر از شاه و کسانش با هر درباری و دوروبری همان معامله را بکنیم، نظامیان و کارمندان را چون فرمانبران

کارگران چای سازی خواستار محیط مناسب کار هستند

☆ پس از پایان کار، کارگران بعلت نشستن غبار ناشی از چای بر سر و صورتشان یکدیگر را تشخیص نمی دهند.

داد هاند. وقتی هم که اعتراض می کنند می گوید ما به کارگر احتیاج نداریم. حقوق روز تعطیلی به ما تعلق نمی گیرد. مزایا هم نداریم.

کارگر دیگری بنام عباس می گوید: "از نوروز امسال اینجا مشغول به کار شدم. مثل فرخ موقتی هستم. ماهانه پول می گیرم و مزایا و تعطیلی ندارم. بیمه هم نیست."

در کارگاه چای "انارگلی" با صفر آیشلی، نماینده سندیکا در کارگاه، صحبت می کنیم. وی می گوید:

"سندیکا از ۵۸/۴/۲۴ شروع به کار کرده و کاملاً در جهت خواسته های کارگران فعالیت می کند. خودم سی و پنج سال سابقه کار دارم. حدود ۶ سال است در اینجا مشغول کارم و از حقوق و مزایا و بیمه و حق مسکن هم استفاده می کنم. افراد موقتی فقط پول کارکرد روزانه را می گیرند، یعنی هر روز کار بکنند، حقوق آن روز را می گیرند. تعطیلی جمعه و غیره به آنها تعلق نمی گیرد و بیمه هم نیستند. خواست هایی که ما داریم عبارتند از:

- ۱- ایجاد محیط بهداشتی کار،
- ۲- بیمه کردن تمام کارگران چه موقت و چه دائم،
- ۳- رسیدگی به کمبودهای کارگاه و تامین آنها از قبیل تهیه محل لباس کشی، تا هارخوری و محیط مناسب کار. این کارگران، با شرایط سخت کار خود، از هیچگونه امکانات رفاهی و بهداشتی برخوردار نیستند. می توان و باید برای آنها محیط کار مناسب ایجاد کرد، در مورد بیمه اقدامات ضروری را انجام داد و در پرداخت دیگر حقوق قانونیشان کوشید.
- کارفرمایان انواع فشارها را بر این کارگران وارد می کنند. مسئولین امر باید کارفرمایان را به اجرای قوانین کار و تامین حقوق حقه کارگران وادار کنند، کارفرمایان خاطی راه مجازات برسانند و از اعمال ضدکارگری آنها جلوگیری عمل آورند.
- داشتن محیط کار بهداشتی، استفاده از حداقل زندگی، کمترین کاری است که باید برای کارگران انجام داد.

روزی هشت ساعت کار می کنیم. وضعیت بهداشت اینجا خیلی خراب است. خودتان که می بینید، هیچ چیز ندارد حتی یک توالیت، که از نظر بهداشتی ضروری است. به جز افرادی که موقتی هستند، بقیه بیمه ایسم و از مزایا استفاده می کنیم."

کارگر دیگری به اسم ابوطالب اسلامی می گوید:

"من یکسال است به این کار اشتغال دارم. قبلاً آهنگر بودم. من هفتگی مزد می گیرم. سندیکای اینجا آنقدر قدرت ندارد که به تمام مسائل رسیدگی بکند. وضع بهداشت اینجا هیچ خوب نیست."

سپس به کارگاه "چای خوبان" رفتیم. محیط کار فرقی نمی کند. در این قسمت هم چند جوان سرگرم کار بودند. با کسی که مارک چای را می چسباند، صحبت کردیم. اسمش رحیم است. می گوید:

"۱۶ سال است در این کارگاه، یا بهتر بگویم، در این انبار کار می کنم. ماهی ۳۵۰۰ تومان دستمزد می گیرم. چون دائمی هستم، از مزایای بیمه هم استفاده می کنم. سندیکای ما، تا آنجا که می تواند، به خواسته ها و مشکلات ما رسیدگی می کند. البته قدرت سندیکا محدود است. سندیکا ماهی دوبار تشکیل جلسه می دهد. یکی از خواسته های ما رسیدگی به وضع بهداشت اینجا است. در حال حاضر صاحبان کارگاه ها در خارج شهر انبارهای دارند که ۱۰۰۰ متر زیربنا دارد و اگر بخواهند، می توانند چیزهایی که اینجا را بصورت انباری درآورده، به آنجا منتقل بکنند. من ۱۶ سال است اینجا کار می کنم، ولی تا به حال ندیده ام کسی بخواهد به وضع اینجا رسیدگی کرده و محیط کار را بهتر کند."

با کارگر جوانی بنام فرخ رحمتی صحبت کردیم، می گوید:

"۲ سال است اینجا کار می کنم و ماهی ۲۵۰۰ تومان می گیرم. از سندیکای راضی هستم، برای اینکه افراد خوبی در آن عضو هستند و به کار ما رسیدگی می کنند. من بیمه نیستم، چون کارفرما اسم مرا وارد لیست کارگران نمی کند. به من در اینجا بعنوان کارگر موقتی کار

در انتهای بازار تهران، در چوبی بزرگی وجود دارد که به روی کارگاه های چای باز می شود. پشت در حیاط نسبتاً بزرگی است، که در وسط آن خاک انبار شده است. در گوشه دیگر، گونی های پاره شده و محیط غیر بهداشتی آن جلب توجه می کند. در گوشه های نیز کارگاه های کم نوری دیده می شود، که در هر کدام حدود ۱۰ تا ۱۵ نفر کار می کنند. شرایط کار بسیار سخت و خسته کننده است.

کارگران هر روز از صبح ساعت ۸ مشغول به کار می شوند و بعد از ۸ ساعت کار در محیط غیربهداشتی، روز را به شب می رسانند. کارگران در تمام طول مدت کار روی زمین نشسته اند و کار می کنند.

فضای داخل، بدتر از بیرون و انباشته از گردوخاک است. نور ضعیفی از سقف به داخل وارد می شود. این روزنه های است که از آن بجای هواکش نیز استفاده می کنند.

در یکی از این کارگاه ها بنام "چای نسرين"، با یکی از چهارکارگر آن صحبت کردیم. که هوشنگ نام دارد می گوید:

"۱۲ سال است این شغل را دارم به ما هیچ رسیدگی نمی کنند. اینجا وضع بهداشت خیلی خراب است. شما در نظر بگیرید اینجا هواکش ندارد و با این گرد و خاک امکان دچار شدن به انواع بیماریها هست. بعضی از کارگران ما، که الان در جای دیگر کار می کنند، ریه هایشان را عمل کرده اند. چند نفر دیگر نیز در اثر نشستن روی زمین رماتیسم گرفته اند. اینجا مثل انبار پر از اسباب و خرده ریز است. ما می خواهیم که این چیزها را از اینجا بیرون ببرند، تا شاید کمی شبیه محیط کار بشود. به وزارت کار مراجعه کردیم و آنها کارفرما را تحت فشار قرار دادند. ولی کارفرما قبول نکرد. حتی قبول نکرد برای ما یک حمام ساده بسازد. بعد از ۸ ساعت کار، ما اینجا یکدیگر را تشخیص نمی دهیم. گفتیم حمام بسازند، تا بعد از اتمام کار بتوانیم یک دوش بگیریم. ولی این کار راهم نکردند."

کارگر دیگری بنام رحمت بابا جعفری می گوید:

"۱۸ سال است اینجا کار می کنم، ولی ۱۸ سال است به این کار مشغولم.



کارگران اخراجی انبار های گمرک جلفا را به سر کار برگردانید!

در انبار های عمومی و گمرک جلفا، عده ای کارگر باربر وجود دارند که بی نصیب از مزایای قانون کار، به کار اشتغال دارند. کار این کارگران بدین ترتیب است که جلوی در انبارها به انتظار می ایستند تا ماشینی از راه برسد، آنگاه چند نفر از آنان برای بارگیری همراه آن می روند.

چندی پیش حدود چهار نفر از باربران شاغل در گمرک سهلان، ضمن اعتراض به وضع موجود خود، از کارفرما خواستند که برای بهبود وضع آنها اقدام کند. کارفرما در مقابل اعتراض کارگران، به جای رسیدگی به وضع آنها، همه را از کار اخراج کرد و خطاب به آنها گفت: "هر غلطی دلتان می خواهد بکنید!"

ناگفته نماند که کارفرمایان مربوطه عبارتند از: شرکت حمل و نقل آذران و شرکت حمل و نقل فردوسی.

کارگران اخراجی، ضمن محکوم کردن این برخورد طاغوت مآبانه، از مسئولان امر انتظار کفک و مساعدت دارند. آنها فقط یک چیز می خواهند: کار و کوتاه کردن دست کارفرمایان طاغوتی.

کارگران کارگاه «بی تا» چشم امید به انقلاب دوخته اند!

کارگاه محصولات غذایی "بی تا" در خیابان مازندران (تهران) قرار دارد. در این کارگاه تعداد ۹ نفر کارگر کار می کنند، که سن بیشتر آنها کمتر از بیست و دو سال است. ساعات کار روزانه کارگران ده ساعت است. بایکی از کارگران، که سرپرستی کارگاه را به عهده دارد، به گفتگو نشستیم. او، که خلیل رضوی نام دارد، گفت:

"هفت سال سابقه کار دارم و روزی هزار و صد ریال مزد می گیرم. طولانی بودن کار برایم خسته کننده است، ولی چاره ای نیست."

او در مورد وضع تولید، از زمان شروع جنگ تحمیلی تاکنون، گفت:

"بعلت کمبود شکر، اجباراً از رس قند استفاده می کنیم که از نظر بهداشتی در سطح بسیار پائین قرار دارد. با این وجود کیلویی ۱۳۰ ریال هم گیر نمی آید. بعلت گرانی مواد اولیه از مادامی به نام "چی چی تی" برای سفید کردن و همچنین جهت پف کردن کیک استفاده می شود. با استفاده از این ماده، مصرف روغن غیر ضروری شده است و کیک پزیها نسبت به سابق درآمد بیشتری دارند ولی در مزد کارگران تغییر حاصل نشده است."

کارگر دیگری بنام روح اله قربانی که با چهار سال سابقه کار، روزانه هشتصد ریال مزد دریافت می کند، گفت:

"با این مزد ناچیز، قدرت اداره کردن خانواده ام را ندارم و اجباراً اگر آنها در روستا زندگی می کنند، اگر

در امر خود کفائی «کارخانه لیفت تراک سازی سهند» بکوشید!

هم اکنون حدود دویست دستگاه هوسایل لیفت تراک از خریدهای قبلی در کارخانه موجود است، که با پایان یافتن آنها، کار تولید در کارخانه متوقف خواهد شد.

در صورتی که مسئله تامین مواد اولیه کارخانه حل شود، کارخانه می تواند گام هایی در جهت خود کفائی بردارد. از جمله اینکه، اخیراً طرح هایی چون ساختن لیفت تراک های دستی و کپی کردن یک پالت تراک در دست تهیه است.

مسئولان امر با عقد قرارداد نهایی با بلغارستان و همکاری بیشتر با این کشور، نه تنها از متوقف شدن چرخ های کارخانه جلوگیری خواهند کرد، بلکه گام های مثبتی هم در راه خود کفائی بر خواهند داشت.

عدم تمایل کارکنان کارخانه، مجال این کار را به مدیرعامل نداد.

مسئولان امر برای جلوگیری از رکود کارخانه، اقدام به خرید یک سری وسایل از کارخانه ها لگان کار بلغارستان کردند. بدین مناسبت هیئتی از کارشناسان ایرانی برای آشنایی با کار این کارخانه، که تولید کننده عمده و همچنین صادر کننده لیفت تراک به کشورهای سوسیالیستی است، عازم بلغارستان شدند. سپس هیئتی از بلغارستان به ایران آمد و با عقد قرارداد هایی مقرر شد که دوطرف در آینده همکاری های لازم را با یکدیگر به عمل آورند.

در حال حاضر کارتولیدی کارخانه نامعین است و هنوز عقد قرارداد نهایی با بلغارستان پایان نیافته است.

در کارخانه لیفت تراک سازی سهند (تبریز) حدود دویست و بیست نفر کارگر کار می کنند.

قبل از انقلاب، کارخانه قراردادی جهت ساختن انواع لیفت تراک با شرکت انگلیسی کنوین سر بسته بود. شرکت انگلیسی هم تولید کارخانه را در حد مونتاژ، رنگ زدن لیفت تراک، ساخت چند قطعه ساده نگهداشته بود. پس از ورشکست شدن شرکت کنوین سر، کار او به شرکت کلاپاکس انگلیسی واگذار شد. سرانجام در هنگام انقلاب، به علت رکود شدید در کارتولیدی، کارخانه مجبور به قطع رابطه با شرکت مزبور شد. پس از پیروزی انقلاب، مدیرعامل کارخانه کوشید تا با شرکت های ایرانی همکاری های فدرال و آمریکای قرار دادهای منعقد کند، ولی جو ضد امپریالیستی حاکم در کشور و همچنین

فعالیت های ضد انقلابی خود مشغولند و پیوسته می کوشند که کارخانه را به تعطیل بکشانند. ناگفته نماند که سپاه پاسداران تبریز با بازپس دادن کارخانه شیدا "مخالف است. گفتنی است که پس از ملی شدن کارخانه، وضع حقوق و سایر مزایای کارگران به مراتب بهتر شده و سطح تولید هم به هیچوجه پائین نیامده است. کارگران از مسئولین امری خواهند که کارخانه همچنان ملی باقی بماند و نیز با ضد انقلابیون بطور جدی مقابله شود.

«کارخانه حوله بافی برقی لامع» باید همه چنان ملی باقی بماند!

برای بازپس دادن کارخانه به صاحب قبلی اش فراهم آورند. این افراد که هر یک دارای مسئولیتی در کارخانه هستند، درست در زمانی دست به این اقدامات زده اند که "خلق مسلمانی" ها به شدت در کارخانه به

کارخانه حوله بافی برقی لامع، با صد هشتاد نفر کارگر، در خیابان ۱۷ شهریور تبریز قرار دارد. صاحب این کارخانه - حاجی جواد برقی لامع - از سرمایه داران بزرگ آذربایجان بود، که پس از پیروزی انقلاب، به خارج کشور گریخت و سپس کارخانه ها و زمین های او مصادره شد. هم اکنون نیمی از سهام کارخانه در اختیار سازمان صنایع ملی و نیمی دیگر در اختیار بنیاد مستضعفان قرار دارد.

مدتی است که عده ای از لیبرال ها به انحاء مختلف، سعی دارند زمینه را

وظیفه خطر انقلابی هیئت‌های هفت نفری

آفتاب نشینان «خسرو جرد» سبزوار در انتظار اجرای بند «ج»

روزشماری میکنند

هستم که حدود ۳ هکتار زمین دارم که بصورت دیم می‌کارم. در این روستا حدود ۱۰۰ خانوار آفتاب نشین زندگی می‌کنند که همگی به زمین محتاجند و در انتظارند. دوفرازمالکان بزرگ این روستا در دهات دیگر نیز دارای زمین و باغ و موتورهای آب هستند، ولی حدود ۱۰ خانوار آفتاب نشین روستا بدون قطعه‌ای زمین در انتظار اجرای بند «ج» قانون واگذاری زمین مانده‌اند.

اکثریت اهالی این روستا بخصوص آفتاب نشینان، قاطعانه از طرح قانون واگذاری زمین به طور کامل و بی‌ویز و بند «ج» پشتیبانی خود را اعلام کرده‌اند و خواستار دست‌بکار شدن هیئت هفت نفری در این روستا هستند.

جمهوری اسلامی ایران، بنا به گفته رهبران انقلاب ما خمینی متعلق به کوخ‌نشینان است و بالطبع تمام نهاد های انقلابی،

روستای خسرو جرد با جمعیتی نزدیک به ۳۰۰ خانوار، در بخش مرکزی سبزوار، و بر سر جاده سبزوار به شاهرود واقع است. شغل اصلی اهالی روستا کشاورزی و محصولات عمده آن گندم و جو و زیره و انار است. زمین هست، ولی نیروی کار فاقد زمین است و هنوز هم قانون اجرا نشده است. در ده، پس از انقلاب، با کمک جهاد سازندگی سبزوار، سیم‌کشی برق انجام گرفته و مشکل برق برای خسرو جردی‌ها حل شده است. آب زراعتی روستا توسط ۷ قنات تا مین می‌گردد. اگر هیئت‌های هفت نفری سریعاً تمام بندهای قانون، از جمله بند «ج» را عطفی کنند، ده آباد، زمین‌ها بارور و دهقانان راضی خواهند شد. بایکی از اهالی روستا، که دهقانی است کم‌زمین، صحبت می‌کنیم. نامش تقی است او می‌گوید:

"من یک روستائی کم‌زمین

از نقاط مختلف کشور ما، در چهار گوشه ایران انقلابی، از دهها هزار روستا، صدای حمایت از قانون واگذاری زمین، مصوبه شورای انقلاب، و از هیئت‌های ۷ نفری ما مور اجرای آن و درخواست اجرای تمام و کمال آن را از جمله بند «ج» آن - که بندی شده است بردست و پای پیشرفت انقلاب برمی - خیزد.

مطالب این صفحه‌نامه "مردم" بازتابی است از فعالیت‌های هیئت‌ها و ضرورت ادامه کامل آن و از مشکلاتی که تا قانون اجرا نشود، حل نخواهد شد.

قطعه‌نامه روستائیان هرمزگان

اسلامی و استقرار حاکمیت‌الله چه زودتر فراهم گردد.

ما نمایندگان روستائیان مستضعف استان هرمزگان از محضر امام امت ملت‌مانه استدعا داریم، چنانچه مصلحت بدانند با صدور اجازت‌های جهت به اجرای امر آمدن بند "ج" لایحه قانون واگذاری زمین جان‌تازهای به کالبد خسته، ولی مومن کشاورزان ایران بدمند. حقا که مسیحا نفس توای امام ما باید، که انفسا خوش آن در روح خسته و دردمند ما رضوان بدمد.

از کلیه سازمان‌های دولتی و ارگان‌های انقلابی نظیر جهاد سازندگی، دادگاه انقلاب، سپاه پاسداران و ژاندارمری تقاضا داریم که هیئت واگذاری زمین را برای اجرای صحیح قانون در روستاهای میاری نمود موامکانات خود را در این راه بسیج نمایند، تا هر چه زودتر اصل مترقی اسلام در جامعه ما تحقق یابد. تا از سیاهی و ظلمت برهیم. به امید روی کار آمدن حکومت عدل اسلامی.

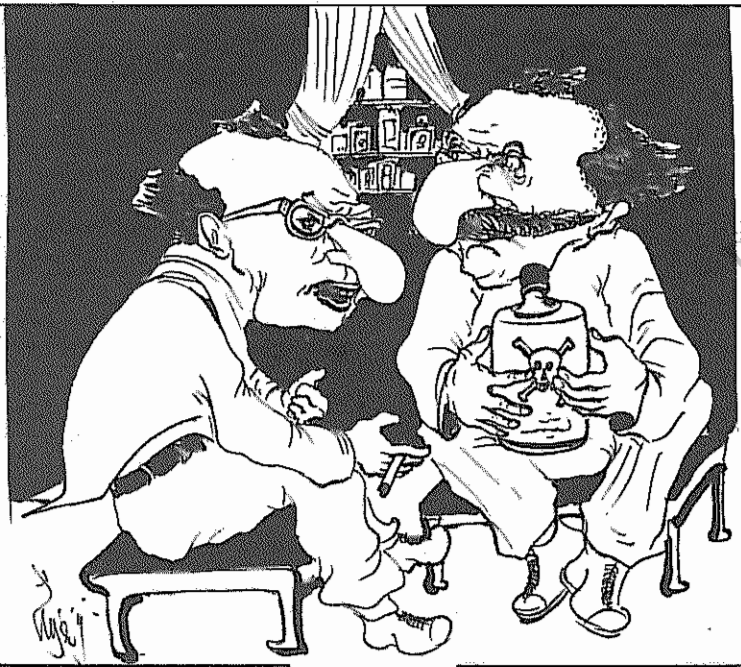
نمایندگان روستاهای استان هرمزگان در بند عباس گرد آمدند و سمینار سه‌روزه‌ای با شرکت اعضای هیئت‌های هفت نفری واگذاری زمین تشکیل دادند. مهمترین و اساسی‌ترین سخن این زحمتکشان روستاها عبارت بود از: "بند" ج" قانون رابه اجرا در - آورید."

سمینار دهقانان یک قطعه‌نامه ۵ ماده‌ای را تصویب کرد که دو ماده آن حمایت از رهبری امام خمینی و درخواست پرهیز از جدائی و تفرقه، و سنده دیگر مربوط به مسئله زمین و بند "ج" است. عین این ماده سمینار روستائیان هرمزگان را در اینجا نقل می‌کنیم:

ما ضمن پشتیبانی از روحانیت مبارز متعهد و پیرو خط امام، از آنها تقاضا داریم که در جهت حمایت از کشاورزان مستضعف و اجرای قانون واگذاری زمین، که مورد تأیید آیات و مراجع عظام منتظری و مشکینی و دکتر بهشتی می‌باشد، هر چه در توان دارند بکار برند، تا برقراری کامل عدالت

بخصوص هیئت هفت نفری، بایست پای‌های حاکمیت این حکومت را در روستاها محکم کنند. در روستاها این امر صورت نمی‌گیرد مگر با واگذاری زمین‌های مستکبرین به سالها با ظلم و جور این زمین‌ها را از صاحبان واقعی آنها غصب کرده‌اند، به دهقانان زحمتکشی که ظلم و ستم این فئودال‌های ز الوصف آنها را خرد کرده‌است. بند "ج" قانون تقسیم زمین - ها بنا به تأکیدات مکرر فقیه عالیقدر آیت الله منتظری و سایر مراجع و علما، کاملاً شرعی است و باید اجرا گردد.

باید در لحظه حساس کنونی که میهن انقلابی ما مورد تجاوز آمریکا و مصادم قرار گرفته، فئودال‌های خائن را سرکوب کرد و دستشان را از روستا - ها کوتاه ساخت. برای تحکیم پشت جبهه و بالابردن تولید، این امری است حیاتی.



پزرگ مالک: ببینم، مرگ‌موش سمی‌تره یا سیانور؟ سرمایه‌دار وابسته: اگر وضع این طوری پیش‌بره، برای ما جمهوری اسلامی خطرناکترین سمه!

روستائیان مدافع انقلاب «در جزین» هنوز تحت روابط ظالمانه ارباب - رعیتی بسر می‌برند

بها نیز هنوز غیر عادلانه و بر اساس ۵۰ سال (زمین، آب، بذر، گا و وانسان) است. در نتیجه بزرگ مالک بدون کمترین زحمتی ۲ سهم (زمین و آب) را تصاحب می‌کند.

دهقانان زحمتکش در جزین دیگر نمی‌خواهند حاصل زحمت آنان بناحق نصیب بزرگ مالکان گردد و ادامه این وضع را شایسته انقلاب نمی‌دانند. یکی از دهقانان در این باره می‌گوید:

"ما چندین سال و در بعضی جاها پدر و پسر روی زمین کار می‌کنیم و تازه موقع خرم باید محصول را با مالک زمین تقسیم کنیم."

وظیفه حساس و فوری هیئت ۷ نفری است که بساط ارباب رعیتی را از ده برچینند و مسئولیت مقامات ذیصلاح است که بند "ج" را از بندی که بدان

روستائیان مدافع انقلاب «در جزین» هنوز تحت روابط ظالمانه ارباب - رعیتی بسر می‌برند

یکی از دهاتی که هیئت هفت نفری در سمتان باید فوراً به آن توجه کند، روستای "در جزین" در ۱۲ کیلومتری شمال سمتان است. اهالی این روستا کشاورزان زحمتکشی هستند که سالیان سال در زیر آفتاب سوزان به کشت و کار مشغولند. اکثر اراضی در جزین را باغ‌های میوه تشکیل می‌دهد. بخشی از زمین‌ها نیز به صیفی - کاری اختصاص یافته‌اند. نکته مهم آنکه در این روستا هنوز هیئت واگذاری زمین کار اجرای قانون اصلاحات ارضی را آغاز نکرده‌است و اغلب گشتکاران و باغداران، زمین و باغ را از بزرگ مالکان غاصب اجاره می‌کنند. اجاره‌بهایی که این زحمتکشان می‌پردازند، گاه به صورت نقدی و زمانی بشکل جنسی است. شیوه پرداخت اجاره

دهستان ابوالعباس در انتظار اجرای کامل قانون و کلیه بندهای آن است

افراد هیئت‌های واگذاری زمین، در مجموع خود، افرادی صادق، انقلابی و مدافع مستضعفین هستند. این اعتقادی درست است که پایه و بنیاد آن را مجموعه اقدامات مفید و شمر بخش هیئت‌ها تشکیل می‌دهد. هیئت واگذاری زمین در این دهستان نیز باید با قاطعیت عمل کند و کار اجرای قانون اصلاحات ارضی را آغاز کند. همچنین شایسته است که در خصوص باغ‌های "متعلق" به بزرگ مالکان، که کاری جز ایجاد اغتشاش و توطئه و تحریک ندارند، اقدام انقلابی صورت گیرد و تکلیف آنها به سود زحمتکشان روستا هر چه سریعتر مشخص شود. بزرگ مالکی در این منطقه حساس منشاء اقدامات آشوبگرانه و کانون ایجاد تشنج است. صلاح انقلاب نه فقط از نظر اقتصادی و اجتماعی، بلکه از نظر سیاسی نیز آنست که هر چه زودتر قاطعتر ریشه بزرگ مالکی و خانخانی را از خوزستان برکنند. هیئت هفت نفری مسئولیت خطیری در این مناطق دارد.

این مالک از جمله ۵ زمیندار بزرگی است که در دهستان همیشه اغتشاش ایجاد می‌کند و چندین بار مورد خشم دهقانان قرار گرفته‌است، لیکن چون از حمایت دو شخص ذینفوذ برخوردار است، تاکنون در خصوص صادره باغ‌ها و زمین‌های او هیچگونه اقدامی به عمل نیامده است. دست هیئت واگذاری زمین نیز متأسفانه باز نیست و هنوز برای قطع ایادی غارتگر این دوتن به دهستان مراجعه نکرده‌است. دهقانان در این مورد سخت دلگیرند و از مسئولین خواهان رسیدگی هستند.

محصولات باغ‌های دهستان عبارتند از: انار (که در سطح خوزستان صادر می‌شود)، زردآلو، آلو، سیب - درختی، انجیر، انگور و هلو.

دهقانان در انتظار هیئت واگذاری زمین هستند

دهقانان زحمتکش معتقدند که

دهستان به علت موقعیت مناسب جغرافیایی و آب فراوان رودخانه، باغداری رونق دارد. باغداران را خود دهقانان دهستان تشکیل می‌دهند. در حدود ۲۰ خانوار از صاحبان باغ‌های کوچک نیز کارگران شرکت نفت و کارمندان سایر موسسات در آبادان و آغاچاری و مسجد سلیمان هستند. این عده از اهالی همین دهستان هستند، که به خاطر موقعیت شغلی، تنهادر تابستان جهت استفاده از آب و هوا و برداشت میوه‌ها به ده می‌آیند. اینها خرده‌مالک هستند و البته قانون متوجه آنها نیست و دهقانان زحمتکش نیز می‌دانند که خان‌ها و بزرگ مالکان دشمن آنها هستند و با خرده‌مالکان خصومت و دعوائی ندارند. در دهستان تنها یک نفر مالک بزرگ باغدار به حساب می‌آید که در حدود ۳ باغ بزرگ دارد. مالک برای برداشت میوه‌ها از دهقانان و زنان آنها استفاده می‌کند و در عوض کارشان به آنها مقداری میوه می‌دهد.

(بجای پول قسمتی از محصول را در خرم برمی‌دارند)، جهت کاشت و برداشت محصول استفاده می‌کنند. خان‌ها قبلاً از دهقانان بهره مالکانه می‌گرفتند. بعد از پیروزی انقلاب روستائیان زحمتکش از برداشت بهره مالکانه سر باز زدند و ایسن باج را نپرداختند. در همین زمینه دهقانان روستای چیدن ابوالعباس، که با مقاومت جانکی، سلطان محمد، روبرو شده بودند کار راه مقاومت مسلحانه کشاندند و توانستند بر فئودال‌ها غلبه کنند و پوزه آنان را، به حکم انقلاب شکوهمندمان، بر خاک مالند و محصولات خود را به راحتی جمع آوری کنند. محصولات کشاورزی این دهستان گندم، جو و برنج هستند.

باغداری

چگونگی مالکیت بر باغ‌ها مسئله دیگری در دهستان است. در این

دهستان ابوالعباس، یکی از دهستان‌های بزرگ بخش چانگی در ۴۵ کیلومتری شهرستان ایذه است. این دهستان بیش از یک هزار خانوار را در برمی‌گیرد. جمعیت آن بالغ بر ۶۰۰۰ نفر است. کار اصلی مردم این دهستان کشاورزی، باغداری و دامپروری است. ولی تا مسئله زمین در این روستای بزرگ حل نشود، کار کشاورزی شکوفا نخواهد شد. به همین جهت حضور و عمل هیئت ۷ نفری خواست دهقانان است.

مسئله ارضی

در این دهستان اکثریت دهقانان، زمین بصورت نسق، به اندازه ای که مخارجشان را تامین کند، دارند، ولی مالکیت زمین مال ارباب است. چهار الی ۵ نفر نیز هر یک دارای بیش از ۱۵ هکتار زمین هستند. این چند نفر خود قادر به کشت زمین‌ها نیستند و از دهقانان بی‌زمین بصورت کارگر روزمزد

امام خمینی: حقوق مردم محروم، که عمری است مالکین و سرمایه‌داران بزرگ خورده‌اند، به محرومین باز پس داده می‌شود.

چاه ویل مسابقه تسلیحاتی

چندی پیش، ج. ماک گاورن - سناتور آمریکا طی مقاله‌ای وجه تشابهی را به میان آورد که بقدر کافی آموزنده است. سناتور آمریکایی نوشت که، در یکی از قبائل سرخپوست، کسه زمانی در کرانه‌های اقیانوس آرام می‌زیستند، رسمی جاری بود، زیر عنوان "مسابقه سخاوت". این رسم در آغاز چنین بود که، داوطلبان احراز مقام ریاست قبیله، با یکدیگر "مسابقه سخاوت" ترتیب میدادند. هر کدام میتوانست به افراد قبیله هدایای بیشتری بدهد، برنده مسابقه و رئیس قبیله میشد. این رسم طی زمان بصورت مسابقه در "اسراف" تغییر ماهیت داد. هدایای آتش ریخته‌شده و هرکس بیشتر مال و اموال طعمه‌اش میکرد، برنده بود. مسابقه تسلیحاتی، به نوشته ج. ماک گاورن، از لحاظ پیامدهای اقتصادی، شباهت زیادی به این رسم دارد.

در واقع نیز، هزینه‌های نظامی در جهان، در سال ۱۹۸۰، بالغ بر ۵۰۰ میلیارد دلار بود. برای رقم، در سال ۱۹۸۱، مبلغی در حدود ۱۰۰ میلیارد دلار افزوده خواهد شد، و در نتیجه، هزینه‌های نظامی در جهان به مبلغ ۶۰۰ میلیارد دلار خواهد رسید. اما در جهان سالانه ۳۰ تا ۴۰ میلیون انسان از گرسنگی - آرزای گرسنگی - می‌میرند. در جهان ۸۰۰ میلیون انسان بکلی بیسوادند و در جهان قریب یک میلیارد ۵۰۰ میلیون انسان از ابتدایی‌ترین خدمات بهداشتی محرومند. در حالیکه، بنا به محاسبات کارشناسان سازمان ملل متحد، برای پایان دادن به گرسنگی، لقویسواد و غلبه بر بسیاری از بیماریها، کافی است که ۸ تا ۱۰ درصد هزینه‌های نظامی، مصرف شود.

بنظر میرسد که تنها بیان این واقعیات کافی است برای رسیدن به این نتیجه معقول که، پس باید هزینه‌های نظامی تقلیل داده شوند و مقداری از این مبالغ هنگفتی که به چاه ویل مسابقات تسلیحاتی فرو ریخته میشود، صرف امور اجتماعی گردد.

ولی در جهان سرمایه‌داری محافل دینفوذ و قدرتمندی هستند که با این نتیجه‌گیری مخالفند. بسیاری از سوداگران، سیاستمداران، اقتصاددانان و گردانندگان دستگا متلفاتی، مدعیند که چنین کاری شدنی نیست، از آن باید احتراز کرد، وگرنه مرغ "سرمایه" دیگر "تخم طلائی" نخواهد داد. اینسان مدعیند که گسترش تدارکات نظامی باعث رشد اقتصادی و افزایش اشتغال است و در آخرین تحلیل موجب رفاه میگردد. البته اینکه مسابقه تسلیحاتی برای پادشاهان "توپ" منبع سودهای کلان است، هیچکس شکوتردید ندارد. و اما اینکه مسابقه تسلیحاتی چمپا مد-هائی برای دیگر اقشار جامعه دارد، پریشی است که برای یافتن پاسخ آن بجاست به نمونه آمریکا بنگریم که از لحاظ هزینه‌های نظامی مقام اول را در جهان داراست.

چشم‌پنداری نیست

طرفداران مسابقه تسلیحاتی مدعیند که افزایش هزینه‌های نظامی باعث توسعه تولید جنگ‌افزار و دیگر وسائل نظامی است و بنابراین باعث ایجاد کار برای کارگران و توسعه اشتغال است. و اگر مسابقه تسلیحاتی محدود شود، موسسات تولیدات نظامی تعطیل خواهند شد و این باعث اخراج کارگران و

توسعه بیکاری خواهد گردید. یک چنین استدلالی، در نظر اول، بی‌منطق جلوه نمیکند. بویژه وقتی در اثبات این دعوی مثال‌هایی نیز ذکر میشود. از جمله مثلا میگویند که آلمان هیتلری با نظمی کردن اقتصاد بیکاری را در آلمان از بین برد. و نیز میگویند که در ایالات متحده آمریکا، در جریان جنگ دوم جهانی، با افزایش هزینه‌های نظامی، رشد صنعتی و رفیع بیکاری حاصل آمد.

بدیهی است که برای تولید جنگ‌افزارها، نیروی کار ضرور است. ولی این امر بدیهی ابدا به معنای آن نیست که نظامی کردن اقتصاد، علاج بیکاری است. بحران بزرگ اقتصادی سال‌های ۳۰ بوسیله گسترش تولیدات نظامی رفع نشد. اگر آن ۸۰ میلیارد دلاری که دولت آمریکا سالانه در سال‌های ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ صرف امور نظامی کرد، به مصرف امور اجتماعی - خانهداری، تولید و وسائط نقلیه، بهره‌گیری از ثروت‌های طبیعی و غیره می‌رسید، حاصل آن از لحاظ رفیع بیکاری به مراتب بیشتر میبود.

در سال‌های ۶۰ و ۷۰ لئونتیسوف، اقتصاددان مشهور آمریکا و برنده جایزه نوبل چنین محاسبه‌ای را ارائه داد: اگر هزینه‌های نظامی پنتاگون به میزان ۸ میلیارد دلار کاهش یابد، ۲۵۴ هزار کارگر، کار خود را از دست خواهند داد. ولی اگر همین مبلغ در بخش اجتماعی مصرف شود، ۵۴۲ هزار کارگر به کار جلب خواهند شد، یعنی در نتیجه این تغییر محل مصرف مبلغ ۸ میلیارد دلار، ۲۸۸ هزار نفر از بیکاران در ایالات متحده گاسته خواهند شد.

در سال ۱۹۷۵ در شیکاگو یک کنفرانس ملی برای کاهش هزینه‌های نظامی برگزار شد که در آن "بودجه صلح" مورد بررسی قرار گرفت. طراحان "بودجه صلح" پیشنهاد کردند که از نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا یک میلیون نفر گاسته شود و هزینه‌های نظامی به مبلغ ۵۸ میلیارد دلار تقلیل یابد. در طرح "بودجه صلح" کاهش هزینه‌های سازمان جاسوسی مرکزی آمریکا (سیا) و پلیس فدرال (اف. بی. آی) در نظر گرفته شده بود. مجموعا پیشنهاد شد که هزینه‌های امر اجتماعی و صلح به مبلغ ۱۲۵ میلیارد دلار افزایش یابد. اگر این "بودجه صلح" از سوی زمامداران ایالات متحده آمریکا پذیرفته میشد، بنا به محاسبه طراحان آن، اشتغال برای ۴ میلیون و ۸۰۰ هزار کارگر افزایش می یافت. در این طرح ضمنا، بر مبنای محاسبه، تاکید شده بود که اجرای "بودجه صلح" کمترین زیانی به امنیت کشور و قدرت دفاعی وارد نمی آورد.

یکی از آخرین بررسی‌ها که در این زمینه بعمل آمد، از سوی سناتور آمریکا ای. ادوارد گندی است. وی در این بررسی به این نتیجه رسیده است که اگر بودجه پنتاگون در سال ۱۹۸۰ به مصرف امور اجتماعی می‌رسید، از اردوی بیکاران در ایالات متحده آمریکا، یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر گاسته میشد. ارقام بررسی‌هایی که از سوی آمریکا ثیان در این زمینه بعمل آمده، گوناگونند. این تفاوت در ارقام طبیعی است، زیرا در زمان‌های مختلف، وضع

اقتصادی آمریکا، "وزن" دلار و نیز شیوه تحقیق دانشمندان متفاوت بود. اند، ولی همه بررسی‌های جدی به یک نتیجه رسیده‌اند و آن اینکه: کاهش هزینه‌های نظامی و افزایش هزینه‌های امور اجتماعی، موجب افزایش اشتغال است. و این ناشی از خصوصیت صنایع نظامی است که تفاوت آن با دیگر رشته‌های صنعتی در این است که، سرمایه‌گذاری - های کلان تری و نیروی کار کمتری می - طلبد.

دعوی طرفداران افزایش هزینه‌های نظامی رانه فقط تئوری، بلکه عمل نیز رد میکند. بنا به ارقام رسمی، در این دوران افزایش قیمت - ها ناچیز - بطور متوسط ۱/۱ درصد شد. در عوض جنگ ویتنام و گسترش مرحله به مرحله آن باز باعث شتاب تورم شد، تورم را از ۲ درصد به ۶ درصد به پیش راند، میزان تورم سه برابر شد.

اما پایان جنگ تجاویزی پرویتنام برخلاف پایان جنگ دوم جهانی و پایان تجاویز برکزه، باعث کاهش میزان تورم نشد. آیا این حالتی استثنائی در قاعده کلی بود؟ نه، ابدا برعکس، این حالت تا قید قاعده بود. پس از جنگ دوم جهانی و سپس از جنگ کره، هزینه‌های نظامی کاهش یافتند و در نتیجه تورم مهار شد، اما پس از جنگ ویتنام هزینه‌های نظامی کاهش داده نشدند که سهل است افزایش نیز داده شدند و در نتیجه سرصعودی تورم ادامه یافت.

هیل برونر - اقتصاد دان مشهور آمریکا میگوید:

"اگرما (آمریکائی‌ها) در واقع بخواهیم به تورم پایان دهیم، می - بایست "شیر" عظیم هزینه‌های دولتی را در امور نظامی بپزدیم".

پرگرده مالیات دهند

در استکهلم پیکره جالبی هست: مرد کوچکاندام و نحیفی جسد بزرگ حاکم شهر را برگرده دارد و زیر آن سه تاشده است. کسی نمیداند که این مرد کوچکاندام کیست، ولی سوئدی‌ها بشوخی میگویند که او مالیات دهنده است! هفته‌ها آمریکا "نیوزویک" اظهار نظر کرده است که در آمریکا نیز مبیایست چنین پیکره‌ای را بر قرار کرد، منتها برگرد هر مرد نحیف باید پنتاگون سوار باشد. این نکته سنجی بیجان نیست، به نسبتی که بودجه پنتاگون افزایش داده میشود، به همان نسبت بار مالیات بردوش اهالی سنگین ترمیکرد. دلیل آن واضح است. بودجه نظامی بخشی از بودجه کل دولت است که در آمریکا بطور عمده از مالیاتی بدست میاید که از اهالی اخذ میگردد. اگر قبل از جنگ دوم جهانی یک ششم دستمزد زحمتکشان بصورت مالیات به صندوق دولت ریخته میشد، اکنون از هر دلار مزد، ۴۰ سنت به خزانه دولت تحویل می گردد. اکنون امریکائی میان حال، مزد چهار ماهه ونیم خود را در سال بعنوان مالیات به دولت میبزداد. ولی این مالیات کفاف هزینه‌های دولتی را نمی دهد. هر ساله دولت ایالات متحده آمریکا دچار کسری بودجه

گوید: "ما بار هزینه‌هایی، مثلا هزینه‌های دفاعی را بردوش داریم، که نمی‌بایستی داشته باشیم." در واقع نیز اقتصاد آمریکا در عرصه نظامیگری از مرز گذشته است که هنوز دیگر کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری به آن نرسیده‌اند. ولی کشورهای اروپای غربی، که در این عرصه از ایالات متحده آمریکا عقب مانده‌اند، نیز هم اکنون عواقب منفی تدارکات نظامی را احساس می‌کنند. اتفاقی نیست که وقتی کشورهای "ناتو" با مسئله افزایش بودجه‌های نظامی به مبلغ سالانه سه درصد روبرو شدند، بسیاری این اقدام را برای وضع اقتصادی کشورهای خود خطرناک بشمار آوردند.

چیمس تریس - سراققتصاددان مرکز اطلاعاتی واشنگتن در مسائل نظامی، با سنجش تمام جنبه‌های "مثبت و منفی" نظامیگری، به این نتیجه رسیده است: "آمریکاکشوری است دچار دشواریهای جدی اقتصادی. کشور مشکل بتواند بار امروری هزینه‌های



برنامه تیوغ آمیز "پنتاگون" موضوع: ناپودی اتحاد شوروی، پشتیبان اصلی مبارزات آزادیبخش خلق‌های جهان فلسطین، خاورمیانه، آتیوپی

نظامی را تحمل کند. اگر این هزینه‌ها بازم افزایش یابند، کشور بسا خطر فاجعه روبرو خواهد شد. بدیگر سخن، حتی کشور ثروتمندی مانند آمریکا نمی‌تواند سالیانه صدها میلیارد دلار را به چاه ویل نظامیگری بریزد، بدون اینکه دچار عواقب وخیم آن گردد. (اقتباس از مجله "عصر جدید"، چاپ شوروی شماره ۵۱، سال ۱۹۸۰)

رقابت را در فروش کالا زدست میدهد، واکنش دردناکی را از سوی امریکائیان برانگیخته است. در یکی از شماره‌های مجله "یونایتد استیتز نیوز اند رپورت" (سپتامبر ۱۹۸۰) مصاحبه‌ای با رئیس شرکت "مونوپولیا آئیستنس - کورپوریشن" چاپ شده است. نامبرده که یکی از اقتصاددانان نامی بشمار میرود، در پاسخ به این پرسش که: چرا ایالات متحده آمریکا مواضع خود را در برابر قیام از دست میدهد، می -



نمایشگاه عکس در رودسر

از طرف اعضا و هواداران سازمان جوانان توده ایران در رودسر، نمایشگاه عکسی در این شهر دایر شد. این نمایشگاه با استقبال مردم شهر، بویژه جوانان روبرو شد.



نمایشگاه عکس در بندرانزلی

از طرف اعضا و هواداران سازمان جوانان توده ایران در بندرانزلی، نمایشگاه عکسی از توطئه‌های امپریالیسم آمریکادر این شهر دایر شد. این نمایشگاه مورد استقبال اهالی بندرانزلی، به خصوص دانش‌موزان این شهر قرار گرفت.

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

تا آخرین لحظه باز می گوئیم: مرگ بر آمریکا!

★ سرمایه داران و تجار، برای فلج کردن دولت، دست به کودتای اقتصادی زده اند.
 ★ با خروج مهندس بازرگان و ۱۱ نماینده دیگر، مجلس از اکثریت افتاد و در مورد طرح سرپرستی سوزارتخانه رای گیری نشد.
 ★ سندقلابی، سند مشروعیت مالکیت مالکان بزرگ نیست، سند واقعی دستان پینه بسته مستضعفان است.
 ★ در سخنرانی امجدیه و دانشگاه، شعار «مرگ بر آمریکا» داده نشد.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، در سخنان پیتی از دستور نمایندگان خواستار اجرای سریع طرح اصلاحات ارضی، ملی کردن بازرگانی خارجی و تعدیل ثروت شدند. نخستین نطق قبل از دستور این جلسه، احمد عطاری بود، که درخصوص لزوم حفظ وحدت سخن گفت. نطق بعدی قبل از دستور، وهامی، از جمله گفت:

«نمایندگان می توانند در کلیه مسائل مملکت اظهار نظر کنند. نمایندگان می توانند دولت را ساقط کنند، می توانند کفایت سیاسی ریاست جمهور را مورد سوال قرار دهند و اگر نداشت رای به عدم کفایت سیاسی اش بدهند. اینها خودشان بیشترین مسئولیت را در مملکت دارند.»

وهامی سپس، ضمن اشاره به جنگ تحمیلی و صدمات ناشی از آن به جمهوری اسلامی ایران، گفت:

«عواملی دست اندر کارند که توجه عمومی را از خرمشهر، از سوسنگرد که ۴۰ کیلومتر با دشمن فاصله دارد، از آبادان، که فقط ۶ کیلومتر با دشمن فاصله دارد و هر روز امکان آن را دارد که مانند خرمشهر تصرف بشود و جمعیت آنجا قتل عام شوند و دیگر شهرهایمان، به درگیریهای داخلی معطوف کنند. گروه های وابسته، ورشکستگان سیاسی، تجار گردن کلفتی که سالهای سال در این مملکت چاییدند و حال می بینند که با اجرای قانون اساسی منافشان به خطر می افتد، زمینداران بزرگ که سالهای سال بر مال و ناموس مردم حاکم بودند با اجرای طرح تقسیم اراضی اسلامی، منافشان به خطر افتاده، همه و همه دست اندر کارند و متحد شده اند.»

نماینده مردم خدابنده سپس، ضمن اشاره به اینکه باید با قاطعیت با این افراد برخورد شود، گفت:

«ما وقتی می آیم قانون ملی شدن بازرگانی خارجی را مطرح می کنیم، وقتی می آیم قانون اراضی شهری را مطرح می کنیم، و یا هر قانون دیگری که به منافع طبقات حاکم، که سالهای سال در این مملکت حاکم بودند، درگیرها شروع می شود...»

وی آنگاه، ضمن اشاره به اینکه در سخنرانیهای امجدیه و دانشگاه تهران یک بار هم علیه آمریکا شعار داده نشد گفت: «اینهایی که می گویند ما ضد آمریکا ایم، ضد استعماریم، در سخنرانی دانشگاه تهران، در سخنرانی امجدیه، حتی یکبار مرگ بر آمریکا نگفتند. ولی ما فراموش نمی کنیم. اگر بمباران اتمی هم بشود، ما فراموش نخواهیم کرد. تا آخرین لحظه بازمی گوئیم مرگ بر آمریکا، مرگ بر آمریکا. آمریکا بنظور نیست که با یک ترفند

سیاسی عقب نشینی کند. از در برانی، از پنجره وارد می شود. از پنجره برانی، از راه دیگر می آید. من از این می ترسم که این درگیریها ما را به انحراف بکشاند و یک روزی بیدار شویم و ببینیم فرصت از دست رفته و هیچکاری نمی توانیم بکنیم.»

دومین نطق جلسه دیروز، مصطفی تبریزی، نماینده مردم بجنورد، در سخنان خود به سیستم استعماری امپریالیسم اشاره کرد و از جمله گفت:

«استکبار جهانی، بویژه آمریکایی جهان خوار و شرکایش از اروپا تا ژاپن، به غارت دسترنج مردم جهان همچنان ادامه می دهند و با برنامه ریزیهای استعماری و به برای گرسنگی بیش از ۳ جمعیت جهان و به قیمت مرگ صدها هزار کودک، زندگی کثیف خود را ادامه می دهند.»

وی با اشاره به پیروزی انقلاب ایران به رهبری امام خمینی، گفت:

«برخورد هر فرد مسئول و متعهد با انقلاب باید با در نظر گرفتن کلیت انقلاب باشد. درست است که نواقص کوچک و بزرگ و ضعفهای عمده ای در مسئولان و نهادها وجود دارد. درست است که تنگ نظریها و خودمحوریها، آفتی برای جامعه شده است. اما اگر بجای حرکت دفاعی درباره نواقص رو در روی کلیت انقلاب قرار بگیریم، خیانت تاریخی غیر قابل جبرانی مرتکب شده ایم.»

سند واقعی، دستان پینه بسته مستضعفان است

نماینده بجنورد سپس، ضمن اشاره به حوادث ۱۴ اسفند و محکوم بودن چماقداری و چماق کسی در هر شکلی، سخن گفت. او آنگاه به نوشته روزنامه «گاردین» در مورد اینکه «پوزیسیون ایران»، «بغیر از دو گروه» برای تشکیل یک «حکومت دموکراتیک» به توافق رسیده اند، پرداخت و از جمله اظهار داشت:

«من تصور نمی کنم تمامی این ماجراها، در رابطه با جریاناتی مشابه به جریانات تلخ دوران مشروطیت است. متأسفانه نقشه ها بقدری ماهرانه است که رئیس جمهور هم وسیله قرار میگیرد. متأسفانه تزلزل دولت و ارگانها در اجرای کارهای انقلابی، بی برنامهگی، خودمحوری و منزوی کردن و تصفیه صادق ترین جوانها با برچسبهای ناچسب، تعصب، برنامه های بی ریاضت های خود به عنوان معیار حق و در نتیجه رشد فرصت طلبان به جای کمک به تداوم انقلاب، به رشد نیروهای اپوزیسیون کمک می کند و خطر جدی برای انقلاب ما بوجود می آورد.»

وی سپس با اشاره به مشکلات اقتصادی مملکت گفت:

«من الان اعلام خطر می کنم. اگر این

نواقص ادامه یابد و حاکمیت ما در طرح و اجرای برنامه های انقلابی تزلزل نشان دهند، حمایت توده های وسیع محروم را از دست خواهد داد.»

ناطق سپس با اشاره به اینکه انقلاب برای بهره مندی هر چه بیشتر از پشتیبانی توده ها، باید در جهت منافع آنان حرکت کند. درباره مسائل فعلی انقلاب گفت:

«اگر دولت در مسائل عمده سرانجام به همان میانه روی هایی بیفتد که دیگران در قبل می گفتند، آیا خواهد توانست مسئولیت خویش را حفظ کند؟ در حال حاضر مسئله مالکیت اراضی شهری، دولتی کردن بازرگانی خارجی و گفتگوهای در تعدیل ثروت در جریان است. اگر قوانین به نفع ثروتمندان باشد، وضعی بوجود می آید که قابل برگشت نخواهد بود. ما برای خلاء قانون وضع نمی کنیم، بلکه برای واقعیت و واقعیت اینست که کسانی که زمینهای کلان دارند، نامشروعیت مالکیتشان مجزاست. سند های قلابی آنها، سند مشروعیت مالکیتشان نیست، سند واقعی دستان پینه بسته مستضعفان است.»

پس از پایان سخنان پیش از دستور، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس به سالگرد درگذشت سید جمال الدین اسدآبادی اشاره کرد و در این مورد سخنانی گفت.

آنگاه مجلس وارد دستور شد و طرح سرپرستی وزارتخانه های بی وزیر مطرح گردید. در اینجا کاظم موسوی بجنوردی خواستار مسکوت ماندن این لایحه شد، که پس از بحث موافق و مخالف، مسکوت ماندن آن از سوی نمایندگان رد شد. سپس اصل طرح برای بحث نمایندگان قرائت شد و چند تن از نمایندگان در موافقت و مخالفت با آن سخن گفتند.

حسین هراتی، از جمله موافقان طرح، ضمن اشاره به «توطئه کودتای اقتصادی برای فلج کردن دولت» که از سوی سرمایه داران و تجار بزرگ عملی می شود، «از لزوم انتخاب هر چه سریعتر وزیر بازرگانی و رسیدگی دقیق این وزارتخانه به وضع سرمایه داران بزرگ و وابسته» دفاع کرد.

وی ضمن اشاره به سخنان مخالفان طرح، که «عواقب خطرناکی» برای تصویب این طرح بر سر مرده بودند، گفت:

«عواقب خطرناکی از این بالاتر که ریگان به فکر افتاده، دولت رجائی را ساقط کند. خطر از این بالاتر که آمریکا، همان نقشه ای را که در شیلی پیاده کرد، اکنون میخواهد در ایران پیاده کند؟ یعنی از یکسو پخش فحش نامه ها و از یکسو برپا کردن اعتصابها؟»

پس از پایان سخنان نمایندگان موافق و مخالف با طرح، برای کلیات طرح اعلام رای گیری شد. در این هنگام، به علت

خروج ۱۲ تن از نمایندگان. از جلسه مجلس از اکثریت خارج شد و نتوانست رای گیری را انجام دهد. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی با اشاره به این وضع، گفت:

«اینها دمکراتهای مجلسند، میخواهند از مجلس بیرون بروند و مجلس از اکثریت بیفتد... اینها با اینکار خود حق همه را ضایع می کنند. اینها که می گویند در مجلس حق ما ضایع می شود، بدانند که از این به بعد مظلوم نمایی در این مملکت خریدار نخواهد داشت.»

وی همچنین توضیح داد که تمامی این افراد، طبق آئین نامه، بعلمت عدم حضور هنگام رای گیری، تویخ می شوند.

توکلی، منشی مجلس، اسامی این افراد را به شرح زیرین قرائت کرد:

اخوتیان - تقوی - غضنفرپور - سهندس بازرگان - بیانی - منسوجپوری - شهاب محمودی - سرنگی - صباغیان - معین فر - سامی - سلامتیان - عالی پور.

در پایان جلسه دیروز، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، راه حل این قضیه را انجام هر چه سریعتر انتخابات میان دوره ای در شهرهای کشور ذکر کرد و از وزارت کشور خواست که در این جهت به سرعت اقدام کند.

جلسه بعدی روز چهارشنبه (امروز) تشکیل می شود.

در حاشیه ...

درباره ۱۲ نماینده

پس از خروج ۱۲ تن از نمایندگان برای از اکثریت انداختن جلسه مجلس، که مورد اعتراض شدید سایر نمایندگان قرار گرفت، عده ای از نمایندگان خواستار ارسال دوباره پرونده های آنان به کمیسیون تحقیق شدند. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در این باره، ضمن توضیحی، از جمله گفت:

«این مسئله به بعد مربوط می شود.»

طرح های آینده برای

اپستروکسیون

خروج ۱۲ تن از نمایندگان، باعث خشم و اعتراض شدید بیشتر نمایندگان شد. از جمله حجت الاسلام ناطق نوری گفت:

«طبق اطلاعی که ما داریم این آقایان این طرح را از قبل داشتند و برای بعد هم از این طرحها دارند که ما هر طرح انقلابی بنخواهیم به مجلس می آوریم، آنها استعفا بدهند.»

شعارهای مردم

در موقع خروج ۱۲ نماینده از محوطه مجلس، جمعیتی که در مقابل در خروجی مجلس گرد آمده بودند، شعار میدادند: مرگ بر لیبرال، مرگ بر مائوئیست، مرگ بر آمریکا!

ترجیح می دهیم «احساساتی» پیمان

مصطفی تبریزی، نماینده بجنورد، ضمن سخنانی گفت:

«بعضی ها مرا احساساتی خوانده اند. اگر دفاع از محرومین و بی زمینها احساساتی بودن است و تاقل بودن دفاع از زمینداران بزرگ من ترجیح می دهیم تا آخر عمر احساساتی بنام و عاقل نشوم.»

این هفته در «نامه مردم» بزبان کردی میخوانید:

- اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران: توطئه هفتم آمریکا در حال اجراست.

- امام خمینی: زبانهای غیر- متعهد اشخاص دارند دیکتاتوری می کنند و می خواهند روحانیت را و جمهوری اسلامی را تضعیف کنند.

- امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، مجری ترویسیم بین - المللی

- در چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب، تامین و تضمین آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی ضرورت حیاتی دارد.

- روز ۸ مارس (۱۷ اسفند)، روز همبستگی زنان جهان را به زنان خلق کرد و همه خلقهای برادر ایران، شادباش می گوئیم.

- پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال به مناسبت شصتمین سال تاسیس حزب

آکونیست پرتغال (۱۴ اسفند ۱۲۹۹) - پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کار سوسیال بنه مناسبت شصتمین سال تاسیس حزب

کمونیست سوئیس ۱۵ اسفند ۱۲۹۹ (از سال ۱۳۲۲: حزب کار سوسیال)

- اصلاحات سیاسی اجتماعی - شعر

کمک مالی به حزب توده ایران! یک وظیفه انقلابی است!

- ۴. ت. ج ۷۰۰۰ ریال
- شوروز از شهر کرد ۴۰۰۰ ریال
- محمد به حزب پدرش از شهر کرد ۱۰۰۰ ریال
- کاوه به حزب پدرش از شهر کرد ۱۰۰۰ ریال
- آزاده به حزب پدرش از شهر کرد ۱۰۰۰ ریال
- بابک روشن از کیلان دماوند ۲۰۰۰ ریال
- رپا کیزه از کیلان دماوند ۲۰۰۰ ریال
- سازمان حزب در شهر کرد ۲۵۰۰۰ ریال
- بلال فروش از شهر کرد ۳۰۰۰ ریال

علاقتمندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کیمنش وبه شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

قیمت گاز مایع در گناوه افزایش یافت

به دنبال اقدام فرماندار شهرستان گناوه در مورد بازپس - گرفتن پخش گاز مایع از نمایندگینما و سپردن آن به دست واسطه ها، قیمت گاز مایع در این شهرستان از ۲۷۰ ریال به ۳۵۰ ریال رسید. البته باید متذکر شد که هدف از این اقدام به کار- گماردن تعدادی از بیکاران بوده - لیکن حاصل کار نشان داد که این تدبیر مناسب نبوده است. ما از مقامات مسئول می خواهیم که در این مورد تجدیدنظر کنند و با کنترل قیمت گاز مایع، از افزایش قیمت آن جلوگیری کنند.

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی، شرکت کنیم!

توطئه جدید سرمایه داران فراری و قاچاقچیان ارز در کویت علیه انقلاب ایران

هدف این توطئه جدید، ضربه وارد کردن به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران و فلج کردن آن است.

سرمایه داران فراری ایرانی و قاچاقچیان ارز اخیراً در کشورهای خلیج فارس و از جمله کویت، در کنار توطئه های گوناگون خود علیه جمهوری اسلامی ایران، دست به اقدام تخریبی جدیدی برای لطمه زدن به اقتصاد ایران زده اند. همانطور که خوانندگان نامه «مردم» بخاطر دارند، در شماره ۴۴۹، مورخ ۲ اسفند ۵۹، در مطلبی پیرامون فعالیت ضدانقلابی سرمایه داران ایرانی مقیم کویت، از جمله به این مطلب اشاره شده بود که این سرمایه داران برای هر چه وابسته کردن کارگران ایرانی به خود، پول کارگران را می گیرند و به آنها حواله می دهند که پول خود را مثلاً در فلان بانک در ایران دریافت کنند. باید متذکر شد که این کارگران اکثر کشاورزان عربزبان جنوب هستند، که بعلم سیاستهای ضد مردمی رژیم گذشته ورشکست شدند و برای یافتن کار با گذرنامه و گاهی هم بدون آن، به کشورهای اطراف خلیج فارس و من جمله کویت رفتند. حقوق این کارگران غالباً به پول همان کشورها پرداخت می شود. در این جاست که اقدام سرمایه داران و قاچاقچیان ارز علیه اقتصاد جمهوری اسلامی ایران آغاز می گردد. آنان که مقادیر هنگفتی پول در داخل و خارج کشور دارند، ارز این کارگران را به قیمت های بالاتر از قیمت رسمی خریداری می کنند. به این ترتیب، از سویی یونانی را که از خزانه مملکت به چپاول برده اند، بدون هیچگونه دردسری با ارز کشور مورد نظر خود تعویض می کنند و از سویی دیگر مانع ورود ارز خارجی به ایران و ورود مقادیر هنگفتی پول ایرانی به داخل کشور می شوند. افراد ضدانقلابی مزبور برای انجام این عمل به روش های زیرین متوسل می شوند:

- ۱- اگر این سرمایه داران فراری هنوز دارای حساب بانکی مسدود نشده در بانک های ایران باشند، با کشیدن چک، عمل مبادله پول ایرانی با ارز خارجی را انجام می دهند، البته با توجه به اقداماتی که در جهت مسدود کردن حساب های طاقوتیان فراری انجام گرفته است، این شیوه اکنون کمتر مورد استفاده قرار می گیرد.
- ۲- با دادن حواله به فروشنده ارز، دریافت پول ایرانی را به یکی از خویشاوندان خود در ایران، که نقدینه آنان را نگاهداری می کند، واگذار می کنند.
- ۳- در صورتی که هیچکدام از راه های بالا

ممکن نباشد، آنان معامله را بطریق مستقیم انجام می دهند، بدین معنی که، با کشیدن حواله های مقدار پول ایرانی هم ارزش با ارز خارجی را به فروشنده - در ایران پرداخت می کنند و خود نیز، بعنوان دلال ارز قاچاق، مبلغی از ارز مورد معامله را تصاحب و بقیه را، بپایه توافق به حساب پرداخت کننده ریال در کشور کویت و یا در هر نقطه دیگری که امکان داشته باشد، بصورت ارز واریز می کنند.

بدین ترتیب، ارزی که باید در مقابل کار اتباع ایرانی در کشورهای منطقه، برای تقویت اقتصاد جمهوری اسلامی ایران به کشور وارد شود، به جیب قاچاقچیان ارز واریز می شود. این موضوع هنگامی اهمیت ویژه کسب می کند که بدانیم این کارگران، در طول سال، چندبار به ایران می آیند و در ایران، ریال مورد طلب خود را از شخص تعیین شده دریافت می کنند، درحالی که در مقابل، کمترین ارزی با خود نمی آورند. جالب توجه اینجاست که این کارگران هنگام بازگشت به کشورهایی که در آن بکار مشغولند و از جمله کویت، تا قبل از شروع جنگ تحمیلی رژیم صدام علیه ایران، مبلغی ارز هم از بانک مرکزی دریافت می کردند و، به گفته خودشان، دینار کویتی را، که در ایران به قیمت ۲۶۰ ریال خریداری می کردند، در آن کشور تا مبلغ ۵۰۰ ریال می فروختند.

باتوجه به مطالب فوق، بر مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران و بخصوص مسئولین بانک مرکزی ایران است که با قاطعیت و سرعت عمل کنند و از ضررهای ناشی از دسیسه های تازه ضدانقلابیون جلوگیری بعمل آورند. از جمله برای خنثی کردن این عمل ضدانقلابی آنان، با تحقیق سفارتخانه های ایران در کشورهای منطقه، میزان متوسط حقوق کارگران ایرانی در آنجا را محاسبه کرد و هنگام بازگشت این افراد به ایران، آنان را متعهد به پرداخت ارز و تبدیل آن به پول ایرانی در بانک ملی ایران کرد و در صورتیکه از این عمل خودداری کنند، از خروج دوباره آنان از کشور جلوگیری بعمل آورد.

امید است که مسئولین، با توجه به عواقب ادامه این اقدام های تخریبی سرمایه داران فراری به سرعت اقدامات لازم را جهت خنثی کردن آن بعمل آورند.



گسترش روابط بریتانیا با دارو دسته صدام حسین

وزیر خارجه دارو دسته صدام حسین دیداری سه روزه را از بریتانیا آغاز کرده است. وی، از جمله، با خانم تاجر و لسرد کرینگتون، وزیر خارجه بریتانیا، دیدار و گفتگو خواهد داشت.

بگفته ناظران سیاسی، در این دیدارها علاوه بر مذاکرات پشت پرده درباره جنگ تجاوزی صدام علیه ایران، بویژه گسترش روابط میان دو کشور مطرح خواهد شد.

کشتار میهن دوستان در السالوادور ادامه دارد

کلیسای کاتولیک، طی اعلامیه ای که در شهر مکزیکو انتشار داده به کشتار میهن دوستان در السالوادور اعتراض کرد. در این اعلامیه آمده است که ۵۳۴ تن از اهالی کشور، که اکثر آنها روستایی هستند، در هفته گذشته به قتل رسیده اند. عملیات سرکوب جنبش میهن دوستان این کشور توسط واحدهای نظامی و انتظامی انجام میگیرد، که مستشاران نظامی آمریکایی فرماندهی آنها را بر عهده دارند.

در این اعلامیه گفته میشود که شهرها و روستاهای استان شرقی السالوادور بوسیله واحدهای نیروی هوایی با بمبهای آتشزا و فسفوری که آمریکا در اختیار رژیم السالوادور گذارده، به آتش کشیده شدند و عده کثیری از اهالی این نواحی نابود شدند.

حتی دولت امپریالیستی متحد آمریکا از ماجراجویی ریگان نگرانند

هنس دیتریش گشتر، وزیر خارجه جمهوری فدرال آلمان، روز دوشنبه ۱۸ اسفند ۱۳۵۹ وارد واشنگتن شد. وی، از جمله، مذاکراتی با ریگان خواهد داشت. بگفته خبرگزاری «رویتر»: «هنس دیتریش گشتر مصمم است تا نگرانی خود را از سرد شدن مناسبات اتحاد شوروی و آمریکا» به ریگان ابراز دارد.

هلموت اشمیت، صدراعظم جمهوری فدرال آلمان، در آستانه سفر وزیر خارجه این کشور به آمریکا، در یک گفتگوی رادیویی گفت که استقرار موشک های هسته ای جدید میان برد آمریکا در اروپای غربی قطعی نیست و میتوان با مذاکره با اتحاد شوروی از آن خودداری کرد.

وزیر دفاع آمریکا: ایالات متحده حضور نظامی خود را در خلیج فارس کماکان گسترش خواهد داد

وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا در تلویزیون این کشور سخنانی ایراد داشت، که خبرگزاری «تاس» آنرا «نشانه تصمیم دولت آمریکا درباره توجیه مسابقه تسلیحاتی» نامیده است. وزیر دفاع آمریکا گفت که «ایالات متحده آمریکا حضور نظامی خود را در منطقه خلیج فارس و در جنوب خاوری آسیا گسترش خواهد داد».

یادآور میشود که تمرکز نیروهای هوایی - دریایی آمریکا در خلیج فارس، هم اکنون به ابعادی بی سابقه رسیده است. وی ضمن اشاره به مسئله استقرار سلاح های نو ترونی در اروپای باختری، اعتراف کرد که این طرح با اعتراض های سخت روبرو شده است.

انقلاب ثور (آوریل) در افغانستان، سر آغاز سرنوشتی و انقراض نظام فئودالی در این کشور بود

هیئت نمایندگی «جامعه جوانان سوسیالیست ژاپن»، که در ماه دسامبر سال گذشته (مسیحی) به جمهوری دموکراتیک افغانستان سفر کرده بود، یادداشتها و خاطرات این سفر را بصورت کتابی گردآوری کرده و منتشر ساخته اند. مولفان این کتاب، یامازوداکی، رئیس پیشین کمیته اجرائی «جامعه جوانان سوسیالیست ژاپن» و هوسونی، عضو کمیته مرکزی این سازمان، در مقدمه کتاب خود نوشته اند: «در تاریخ مردم افغانستان صفحه درخشان جدیدی گشوده شده است. پیروزی انقلاب ماه ثور سر آغاز سرنوشتی و انقراض نظام فئودالی در افغانستان بود. این انقلاب توده های زحمتکش را به جنبش انقلابی برای پی ریزی یک زندگی نوین جلب کرد. کارگران و دهقانان و روشنفکران و دانشجویان با عزم راسخ از دستاوردهای انقلاب خود دفاع میکنند. ما در جریان سفر خود از موسسات صنعتی، تعاونیهای کشاورزی، مدارس و دیگر تأسیسات دیدن کردیم و با کارگران، روستائیان و دانشجویان به گفتگو نشستیم. ما در همه جا مشاهده کردیم که مردم افغانستان از دستاوردهای انقلاب دفاع و از دولت ببرک کارمل پشتیبانی میکنند. مردم افغانستان با علاقه مند و شور فراوان در امر تولید و بازسازی هم مشغول زندگی جامعه خود فعالانه شرکت می کنند».

مردم افغانستان توطئه ها و تحریکات عناصر ضد انقلاب را، که به تحریک و یا کمک های نظامی آمریکا، چین و پاکستان به عملیات تروریستی می پردازند، خنثی و این عناصر را سرکوب میکنند. امپریالیسم آمریکا و سلطه جویان یکی جنگ اعلام نشده ای را علیه مردم افغانستان آغاز کردند، اما موفقیتی به دست نیاوردند. در نمایشگاهی که از جانیات این جنگ ترتیب داده شده، اسناد و مدارک و تصاویری موجود است که مداخلات نظامی خارجی و عملیات تروریستی عناصر ضد انقلاب در این کشور را آشکارا نشان میدهد.

روی یکی از این تصاویر تلخا کتری است که از بنای یک مدرسه بجای مانده. بنای این مدرسه بدست عناصر ضد انقلاب و گروه های تروریستی ویران شده است. گروه های مسلح از خاک پاکستان برای عملیات خرابکاری و آدم کشی به افغانستان فرستاده میشوند. سلاح هایی که از این گروه ها بدست آمده، همه در آمریکا، چین و پاکستان ساخته شده اند.

در افغانستان دموکراتیک، در حالیکه مبارزه با عناصر ضد انقلاب هنوز ادامه دارد، در زمینه اقتصاد و فرهنگ و سواد آموزی فعالیت جوشانی جریان دارد. شهرهای این کشور در امن و امان و در کابل و تمام شهرهای دیگر افغانستان زندگی پر جوش و روال عادی خود را طی میکنند. مولفان این کتاب در پایان خاطرات خود نوشته اند: «ما امیدواریم و آرزو مندیم که تعداد هر چه بیشتری از اهالی ژاپن، با خواندن این کتاب، به واقعیت رویدادهای افغانستان پی ببرند و همچنین امیدواریم که خلق های جهان از حقیقت اوضاع افغانستان آگاه شوند».

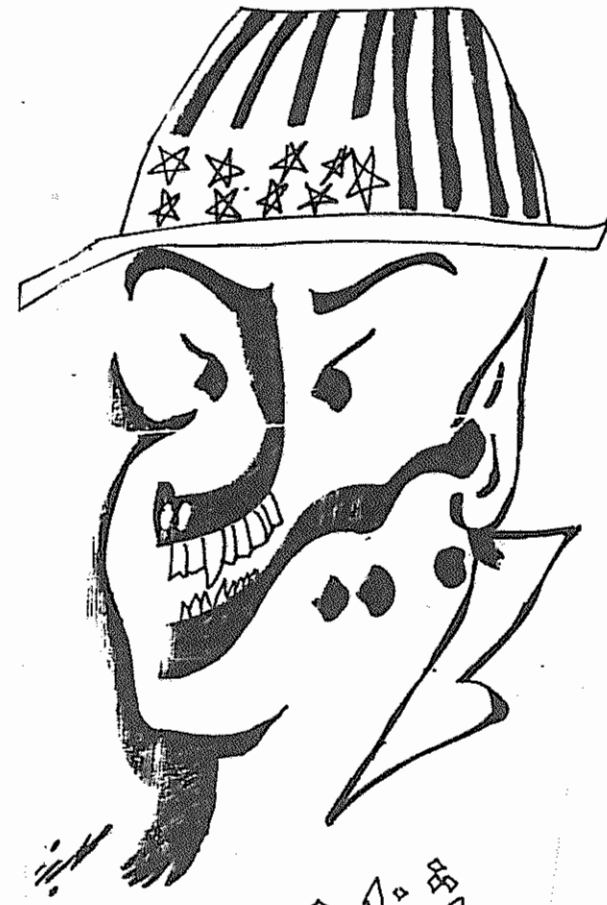
بازداشت شرکت کنندگان جشن «روز جهانی زنان» در شیلی

پلیس شیلی بیش از سی تن را، که در گردهمایی بمناسبت «روز جهانی زنان» (۸ مارس - ۱۷ اسفند)، شرکت داشتند، بازداشت کرد. در روزهای گذشته، دژخیمان سانتیاگو به سرکوبگری های خود افزوده اند.

اعتصاب نیم میلیون کارمند دولت در بریتانیا

روز دوشنبه ۱۸ اسفند، بیش از ۵۰۰ هزار تن از کارمندان دولت، از جمله کارمندان نخست وزیری در بریتانیا دست به اعتصاب ۲۴ ساعته زدند. آنها خواهان از دیاد حقوق خود هستند. ویلیام کننالد، یکی از رهبران اعتصاب، تهدید کرد که چنانچه دولت محافظه کار مارگارت تاجر خواستهای اعتصابگران را نپذیرد، آنها مبارزات خود را ادامه و گسترش خواهند داد.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران، در جبهه متحد خلق



نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM
No. 465
11 March 1981
Price: West-Germany 0.80 DM

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:
صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱، منطقه ۱۴ پستی تهران